

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فروع حیات بخیر سہی

پیدائش و ادب و



بقية الله عنه السلام

فروع حيات بخش هستی

سرشناسه	: دادجو، یدالله، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: بقیةالله <small>علیه السلام</small> فروغ حیات بخش هستی / مؤلف یدالله دادجو .
مشخصات نشر	: قم: دارالفکر، ۱۳۸۷ .
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ ص .
شابک	: ۱۱۰۰۰ ریال: 4-61-2611-964-978
وضعیت فهرستنویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۰۸-۱۱۲ .
موضوع	: محمد بن حسن <small>علیه السلام</small> ، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق .
موضوع	: مهدویت .
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ب ۷ ۲۲۴/۵۲ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۹۷۰۶۲



انتشارات دارالفکر

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین  
آقای حاج سید عبدالحمید مولانا(ره)

## بقیةالله فروغ حیات بخش هستی

مؤلف: یدالله دادجو  
ناشر: انتشارات دارالفکر  
چاپخانه: قدس، قم  
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷  
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۱۰۰ تومان

شابک: 4-61-2611-964-978 ISBN

انتشارات دارالفکر:

◀ قم، خیابان صفائییه، جنب مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، پلاک ۶۳۶

تلفن: ۷۷۴۳۵۴۴ - ۷۷۳۳۶۴۵ - فاکس: ۷۷۳۸۸۱۴

◀ تهران - خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

روبروی اداره پست، پلاک ۲۳۸ - تلفن ۶۶۴۰۸۹۲۷ - ۶۶۴۰۹۳۵۲ - فاکس ۶۶۹۷۷۶۲۰

## تقدیم بہ:

عصارہی خلقت، فروغ حیات بخش ہستی، آخرین امید و  
زیباترین آرزو حضرت حجہ بن الحسن العسکری علیہ السلام

## تقریفاً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نوئسه حاضر را که به قلم توانای فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند ،  
آقای پدیده نادجو به نگارش درآمده ، با فرصتی کمی که در حلقه حضور  
و بیشتره کلمه کریم و اجمعه تذکراتی هم داده ام .

در زمان پر ضوفا و پر تلاطم ما که منتظران ظهور و عاشقان حضور را  
جان به لب آمده ، نگاشتن کتب و مقالاتی که اثر است و برکات وجودی  
امام زمان و حجت حق را تبیین کند ، ضروری است ؛ به ویژه اینکه  
توضیح داده شود که طولانی شدن صیبت آن بزرگوار ، نه به خاطر این است  
که فیض بیان نیست و - فوذا بالله - خدای تعالی فیض خود را از بندگان  
دریغ داشته است ؛ بلکه فیض - هم در بعد ولایت تکوینی و هم در  
بعد ولایت تشریحی - بسیار است . این مانیم که قابلیت لازم  
را برای حضور و ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) فراهم نکرده ایم  
و به تشنگان می مانیم که از تشنگی می نالم ، ولی برای  
تحصیل آب ، اقدامی نمی کنیم .

به این جهت است که حکیم قدری، خواجه طوسی در پاسخ اشکال  
کسانی که به لطف بودن نصب امام لایق ضای ذوالجلال و الاکرام،  
اشکال گرفته و گفته اند: این چه لطفی است که مردم از آن محرومند  
در شاید تصرفات امام در امور تکریمی و شرعی نیستند؟! فرموده:

وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا (۱)

وجود امام، لطفی است و تصرف ظاهری او در امور، لطفی

دیگر است و عدم تصرف ظاهری لذا حیه است.

مقصود این است که تصرفات تکریمی و اماغناست معنوی

امام چه در عصر حضور و چه در زمان غیبت، چه در زمان بسط <sup>جدد امام</sup> و چه در انقباض

نشینی - بلکه بتعدد وزندان - بمراره ادامه دارد و تعطیل تا پذیرفت

آن چه تعطیل پذیرفته، همان ولایت شرعی و حکومت ظاهری

و خزف حکومت های جور و استبداد و تشکیل حکومت واحد

---

۱ - کشف المراد تصحیح استاد حسن نادر آملی صفحه ۲۶۳ (مؤسسه انتشارات اسلامی، بی تا)

جهانی است که تاکنون تحقق نیافته و طبق روایات و احادیث متواتر

است که اگر تواتر لفظی نباشد، قطعاً تواتر معنوی تحقق است - در آینده

دور یا نزدیک - که علم آن نزدیک است - تحقق می یابد و شنیده

و عاقلان دیدار راستی و نشاط می بخشند و این آخرین امید

نیست بر آورده می شود، منتهی باید شرایط و زمینه های آن فراهم

شود، قطعاً یکی از شرایط آن، آگاهی ماست که باید

همچون سرباز آماده رزم، گوش به فرمان و آماده قیام و

حرکت باشیم و فلسفه انتظار در آن گونه که باید و است باید درک

کنیم و به کار بندیم که پیروایان ما فرموده اند:

المنتظر لأمرنا كما لمتشيط بدمه في سبيل الله

منتظر فرمان ما همچون کسی است که همراه خدا در خورس

خویش غوطه ور است.

امید است که اینگونه نوشته ها بر آگاهی ما برای قیام و ظهور با هر نور

و سلام علی عبد الله الهامین

حضرتش بیفزاید.

تم - احمد شبلی

تیرماه ۱۳۸۷

۱ - بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۴۱ (دارالکتب الاسلامیه)



پیشگفتار ..... ۹

## فهرست مطالب

پیش گفتار: ..... ۱۱

### بخش اول: کلیات

فصل اول: فیض الهی ..... ۱۵

تعریف فیض الهی ..... ۱۷

غرض فیضان و آفرینش خداوند ..... ۱۹

فصل دوم: نظام اسباب و مسببات ..... ۲۱

نظام اسباب و مسببات در پدیده‌های جهان هستی ..... ۲۳

قرآن کریم و نظام اسباب و مسببات ..... ۲۵

نظام اسباب و مسببات از چشم‌انداز اندیشمندان ..... ۲۸

ارتباط پدیده‌های جهان با یکدیگر ..... ۳۰

فصل سوم: فرشتگان ..... ۳۵

فرشتگان در قرآن ..... ۳۷

فرشتگان در کلام نورانی معصومان ..... ۴۰

### بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان

فصل اول: امام زمان (عج) رابطه‌ی میان خالق و مخلوق ..... ۴۵

امام زمان معدن رحمت ..... ۴۷

چگونگی بهره‌مندی از امام زمان (عج) در زمان غیبت ..... ۵۳

پاسخ یک پرسش ..... ۵۶

امام زمان (عج) جان جهان ..... ۵۷

دیدگاه هانری کربن ..... ۶۱

سخنان نورانی معصومان ..... ۶۴

فصل دوم: امام زمان (عج) واسطه فیض معنوی ..... ۶۷

پاسخ یک پرسش ..... ۷۱

۱۰	بقیة الله <small>عجل الله فرجه</small> فروغ حیاب بخش هستی
۷۴	فیض معنوی در زیارت جامعه کبیره
۷۶	نور امام فروزان تر از نور خورشید
۷۹	امام زمان (عج) برپا کننده ی فیض عدالت
۸۱	فصل سوم: امام زمان واسطه فیض مادی
۸۳	نزول روزی خلاق به یمن وجود امام زمان (عج)
۸۹	آشکار شدن گنج های زمین به عنایت امام زمان (عج)
۹۱	عنایت ویژه ی امام زمان (عج) به علامه بحر العلوم
۹۵	خاتمه و نتیجه
۱۰۸	منابع و ماخذ

## پیش گفتار:

امامت و ولایت اساسی‌ترین و مهمترین مسأله‌ای است که در مکتب انسان‌ساز اسلام از جایگاهی بس بلند برخوردار است به طوری که دین مقدس اسلام با مسأله امامت و ولایت کامل می‌شود. بر مبنای باورهای شیعه امامت و ولایت همواره استمرار دارد؛ چرا که حضرت بقیه‌الاعظم و امام زمان عجل‌الله‌فرجه اگرچه در پشت پرده غیبت به سر می‌برد، ولی در جهان حاضر و ناظر است و زمین و اهل آن از وجود او بهره می‌برند. او واسطه‌ی فیض الهی، امان اهل زمین، هدایت‌کننده بشر و برطرف‌کننده‌ی عذاب است. او کسی است که فیض پیایی هستی به یمن وجود او نازل می‌شود. آن حضرت همچون آینه‌ای تابان در برابر مطلع بی‌کران ازلیت قرار گرفته و فروغ حیات بخش هستی را بر جان کائنات می‌تاباند. این نوشتار که درباره‌ی آن حضرت است. از دو بخش و یک خاتمه تشکیل شده است که در بخش اول به کلیات و در بخش دوم به ولایت تکوینی امام زمان عجل‌الله‌فرجه پرداخته شده است؛ یعنی این مطلب تبیین شده است که امام زمان عجل‌الله‌فرجه رابطه میان خالق و مخلوق و واسطه‌ی فیض معنوی و مادی الهی است. امید است این اثر گامی کوچک در جهت شناخت هرچه بیشتر آن یگانه‌ی دوران و آخرین منجی بشریت بوده و

۱۲.....بقية الله ﷺ فروغ حیاب بخش هستی

ذخیره‌ی آخرت این حقیر فقیر باشد. بر خود لازم می‌دانم. در پایان از همه‌ی عزیزانی که در شکوفایی این اثر حقیر را یاری کرده‌اند تشکر کنم. به ویژه از پدر و مادر گرامی‌ام که همواره مشوق بنده در فراگیری معارف اسلامی بوده‌اند و همسر عزیزم که با صبر و حوصله برای سامان یافتن این اثر نقش داشته‌اند. همچنین بر خود فرض می‌دانم مراتب سپاس خویش را از حضرت آیت الله دکتر بهشتی که بر من منت نهاده و با کمال بزرگواری ذره پروری کرده و این اثر را مطالعه و برای پربار شدن آن راهنمایی لازم را بذل عنایت کرده‌اند ابراز دارم.

**بخش اول:**

**کلیات**

فصل اول:

فیض الہی

## تعریف فیض الهی

لغت شناسان فیض را به معنای فزونی، کثرت و فراوانی به کار می‌برند. (افاض الماء)<sup>۱</sup>؛ یعنی آب آنقدر زیاد شد که در بیابان جاری گردید. آنان «حوض فایض»<sup>۲</sup> را به معنای حوض پر آب تفسیر می‌کنند. در مقابل این کلمه، واژه‌ی «غیض» است که به معنای اندک است. «فیض الهی؛ یعنی فیض هستی که سراسر جهان را دربر گرفته»<sup>۳</sup> است. فیض الهی همه خیرات، برکات و نعمت‌هایی است که پهنه‌ی گیتی را فرا گرفته است. با نگاهی به جهان آفرینش این حقیقت رخ می‌نماید که جهان هستی جلوه‌گاه روشن نعمت‌های معنوی و مادی پروردگار عالمیان است که همان فیض اوست. می‌توان فیض و اعطای خداوند را نسبت به موجودات به تابش و نور افشانی و فیض دهی نور خورشید نسبت به اجسام گوناگون تشبیه کرد؛ چرا که در نور افشانی و افاضه نور خورشید ویژگی‌های زیر به چشم می‌خورد.

یکم: خورشید همواره نور افشانی می‌کند.

---

۱ - ابن منظور، لسان العرب ج ۷ ص ۱۳۱

۲ - فراهیدی، کتاب العین ص ۶۵

۳ - مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی ص ۱۳۱

۱۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

دوم: این نور افشانی هیچگاه از ناحیهی آفتاب و نسبت به هیچ موجودی تعطیل نیست، پس خورشید هرگز در پرتو افشانی و حرارت دهی دریغ نمی‌ورزد.

سوم: اگر تفاوت و کمی تابش در نور افشانی خورشید مشاهده شود، مربوط به گیرنده‌های اشعه‌ی خورشید است نه به پرتو افشانی نور آفتاب.

خورشید همواره نور را به همراه دارد و شب و روز برای آن فرقی ندارد، بلکه او روز را با خود منتقل می‌کند. در حقیقت کره‌ی زمین یا هر گیرنده‌ی نور خورشید است که با هر چهره به آن روی کند از همان جهت روشنایی روز را دریافت می‌کند. بدین روی خداوند تعالی که نور آسمان‌ها و زمین است، همه‌ی نعمت‌های او قدیم و فیض و فضل او بر آفریدگان همیشگی است و همه موجودات جهان پهناور از نور او بهره‌مند می‌شوند به گونه‌ای که اگر لحظه‌ای فیض او قطع شود تاریکی سایه‌اش را گسترده‌اند و همگی در ظلمت ابدی فرو می‌روند.<sup>۱</sup>

---

۱ - جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم ج ۱۰ ص ۲۲۳



## غرض فیضان و آفرینش خداوند

البته غرض و دلیل فیضان و آفرینش و اعطاء همان خیریت ذاتی آفریننده؛ یعنی خداوند تعالی است به گونه‌ای که لازمه‌ی ذات حق و وجود او افاضه‌ی خیر است. بی‌تردید فیض الهی نامحدود است این فیض نامحدود حق در هر موجودی به حسب ظرفیت و استعداد محدود و معین و خاص آن موجود اخذ می‌شود.<sup>۱</sup> پس فیض الهی عبارت است از تمام نعمت‌ها و عطایای معنوی و مادی خداوند متعال که همه‌ی موجودات جهان هستی را دربر گرفته و هر موجود به تناسب استعداد و ظرفیت وجودی خویش از آن بهره‌مند می‌شود.<sup>۲</sup>

---

۱ - صدر المتألهین، اسفار، ج ۶، ص ۳۳۳

۲ - رحیمیان، سعید، فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدر المتألهین ص ۲۲۹

# فصل دوم:

## نظام اسباب و مسببات

## نظام اسباب و مسببات در پدیده‌های جهان هستی

با نگاهی به جهان طبیعت که امور محسوس و ملموس از آن به خوبی آشکار است، این حقیقت رخ می‌نماید که در جهان هستی نظام اسباب و مسببات برقرار است. باران که از نعمت‌های بزرگ الهی است در امور مادی جهانیان تأثیر شگفت‌انگیزی دارد. این دانه‌های طلایی در شکوفایی، طراوت و شادابی حیات بشری نقش بسزایی دارد.

رویش گیاهان و سرسبزی جنگل‌ها و سبزه‌زارها و شکوفه‌های بهاری و به طور کلی حیات و در زندگی بسیاری از موجودات عالم همگی از برکت این ماده‌ی حیاتی تأمین می‌شود.

بی‌تردید کمبود باران در پهنه‌ی گیتی آثار تخریب‌کننده و زیان‌آوری را به دنبال داشته است؛ چرا که خشکسالی و بی‌آبی در تاریخ زندگی بشر بحران‌های فراونی را آفریده به گونه‌ای که گاهی دولت‌ها برای تأمین آب مورد نیاز ملت‌ها مجبور به جیره‌بندی آب شده‌اند.

از این‌رو باران سبب تأمین مواد مورد نیاز جهانیان می‌شود و خود نمونه‌ای روشن از سبب‌های مؤثر عالم است. نمونه‌ی دیگر از

۲۴.....بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

وابستگی بعضی از موجودات به برخی دیگر جریان برق و الکتریسیته و نوری است که در لامپها مشاهده می کنیم و از آنها بهره می بریم.

از نیروی برق در تمام جهان به صورت های گوناگون استفاده می کنند و از سویی کارخانه های بزرگ دنیا به وجود آن به تولید انواع گوناگون لوازم و نیازمندی های بشری می پردازد، از سویی دیگر بسیاری از کارهای ظریف و دقیق تنها با وجود نیروی برق امکان پذیر است به طوری که پیشرفت شگفت آور تکنولوژی و صنعت تا تحقیق در کرات دیگر آسمانی همگی به وسیله ای این نعمت بزرگ الهی امکان پذیر شده و چرخ حیات را به گردش درآورده است، ولی این ماده بزرگ حیاتی خود به وجود نیروگاه مرکزی مولد برق بستگی دارد و بدون آن کسی از نعمت روشنایی و فوائد گوناگون آن برخوردار نخواهد شد؛ یعنی نیروگاه بزرگ مولد برق، سبب تولید برق و خود جریان برق سبب تولید فرآورده های بسیاری می شود.

بدین روی روشن شد که وجود نظام اسباب و مسببات و واسطه ها در عالم امری انکارناپذیر است و انسان ها با سطوح گوناگون معرفت با آن آشنا هستند.

## قرآن کریم و نظام اسباب و مسببات

در قرآن کریم ودعاهای معصومان نیز به آن نظام اشاره شده است. خداوند تعالی میفرماید: «هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم»<sup>۱</sup> او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی سابقه و صورت‌گری «بی نظیر» برای او نام‌های نیک است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند و او عزیز و حکیم است.

در جای دیگر خداوند تعالی می‌فرماید: «و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضراً»<sup>۲</sup> اوست خدائی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه‌ها را از زمین برون آریم.

همچنین درباره‌ی نزول وحی توسط فرشته می‌فرماید: «... او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انه علی حکیم»<sup>۳</sup> یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا فرستد) تا به امر خدا هر چه خواهد وحی می‌کند البته که او خدای بلند مرتبه است. در دعای کمیل نیز آمده است «و

---

۱ - سوره حشر، آیه ۲۴

۲ - سوره انعام آیه ۹۹

۳ - سوره شوری آیه ۵۱

۲۶.....بقية الله ﷺ فروغ حياى بخش هستى

باسمائك التى ملأت اركان كل شىء»<sup>۱</sup> به نامهاى مقدست كه هر موجودى را پر کرده است.

«اسئلك بحقك و قدسك و اعظم صفاتك و اسمائك ان تجعل اوقاتى من اليل والنهار بذكرك معمورة.»<sup>۲</sup>

از تو مى خواهم به حق خودت و به ذات مقدست و به بزرگترین صفات و نامهايت كه اوقات من در شب و روز را به ياد و ذكر خود آباد و فعال قرار دهى.

«و باسمك الذى دعاك به آدم فغفرت له ذنبه واسكته جنتك»<sup>۳</sup> و به نامت كه بدان دعا كرد حضرت آدم و گناهانش را آمرزیدی.

«و باسمك العظيم الذى دعاك به داود و خرّ لك ساجداً فغفرت له ذنبه»

و به نام بزرگت كه حضرت داود بر آن دعا كرد و به رو افتاد و برايت سجده كرد و او را آمرزیدی.

و باسمك الذى رفعت به السموات بلاعمدٍ و سطحت به الارض... و باسمك الذى فلقت به البحر لموسى و اغرقت فرعون و قومه و

---

۱ - مفاتيح الجنان دعای کميل

۲ - همان

۳ - مفاتيح الجنان، دعای اعمال شب عرفه

انجیت به موسی بن عمران و من معه<sup>۱</sup>» به نام خاص تو که بدان آسمان‌ها را بدون ستون افراستی و زمین را گسترش دادی و به نام تو که بدان دریا را برای موسی شکافتی و فرعون و قومش را در آن غرق نموده و موسی فرزندان و همراهانش را نجات دادی.

در این دعا اسماء الهی واسطه‌ی فیض یاد و توجه و ذکر حضرت حق قرار گرفته است. مراد از اسماء در این دعا، صرف لفظ نیست بلکه حقیقتی از حقایق الهی است. همچنین در دعای توسل به پیامبر اعظم اسلام و امامان معصوم توسل شده و آنان را وسائط و مجاری فیض الهی قرار داده و حاجات خویش را از خداوند متعالی طلب می‌کنیم. چنانکه درباره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوییم «اللهم انی اسئلك و اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة»<sup>۲</sup> پرودگارا من از تو می‌خواهم و به سوی تو روی می‌آورم به واسطه پیامبرت که پیامبر رحمت است. نیز درباره‌ی هر یک از امامان معصوم علیهم السلام می‌گوییم «و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجاتنا و وجیها عندالله اشفع لنا عندا...»<sup>۳</sup> ما به واسطه‌ی تو به خدا توسل جسته و تو را پیشاپیش حاجت‌های خود قرار دادیم. ای کسی که نزد خداوند دارای آبرو، مقام

۱- همان

۲- مفاتیح الجنان، دعای توسل

۳- همان

۲۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

و منزلت داری در پیشگاه خداوند ما را شفاعت کن تا به حاجات مان نائل شویم.

«اگر در آیات قرآن، در صراحت‌ها، اشارت‌ها، و نکته‌های آنها به دقت و تعمق پردازیم، می‌بینیم خدای متعال در مقام بیان خلق و تدبیر و ابعاد آن، و در مقام بیان انحاء مختلف افاضات و همچنین در مقام بیان بازگشت وجود، و مرگ و بعد از مرگ و حشر و نشر و حساب و جزاء و نظایر اینها... به اسماء حسناى خود اشاره فرموده و هر امری را به اسم خاصی از اسماء خود که مناسب آن امر است نسبت می‌دهد»<sup>۱</sup>

### **نظام اسباب و مسببات از چشم‌انداز اندیشمندان**

افزون بر آنچه گفته شد در میان دانشمندان نیز موضوع نظام اسباب و مسببات مورد بررسی قرار گرفته و آنان بر این باورند که «برای آفرینش نظام خاص و قانون و ترتیب معینی است و اراده‌ی خداوند به وجود اشیاء عین اراده‌ی نظام است. از همین جاست که قانون علت و معلول و یا (نظام اسباب و مسببات) به وجود می‌آید. معنای نظام اسباب و مسببات این است که هر معلولی علت خاص و

---

۱ - شجاعی، محمد، اسماء حسنی، ص ۱



هر علتی معلول خاص دارد، نه یک معلول مشخص ممکن است از هر علتی بدون واسطه صدور یابد و موجود گردد و نه یک علت معینی می‌تواند هر معلولی را بی‌واسطه ایجاد کند. در حقیقت هر موجود و هر شیئی در نظام علت و معلول جای مشخص و مقام معلومی دارد؛ یعنی آن معلول، معلول شیئی معین است و علت شیئی معین، و این همان مفهوم دقیق «انا کل شیئی خلقناه بقدر»<sup>۱</sup> است.

لازمه‌ی نبودن نظام معینی در بین موجودات این است که هر موجودی بتواند سرچشمه‌ی ایجاد هر چیزی شود و نیز ممکن باشد هر چیزی از هر چیزی به وجود آید؛ برای مثال باید ممکن باشد که از یک نیروی کوچک، یک انفجار بزرگ که متناسب با یک نیروی بزرگ است به وجود آید، و برعکس نیروی بزرگ که لازمه اثر قدرت بزرگ و بالا است، قدرت کمتری نشان بدهد، باید ممکن باشد که نقش یک شعله‌ی کبریت با اثر خورشید جهان تاب برابری کند و نیز ممکن باشد یک معلول به جای علت خود قرار گیرد و علت به جای او نیاید.

بنابراین امکان ندارد در جهان قانون اسباب و مسببات حاکم نباشد؛ چرا که علو ذات و قدوسیت پروردگار چنین اقتضا دارد که

---

۱ - مطهری، مرتضی، عدل الهی ص ۱۱۷

۳۰.....بقية الله ﷺ فروغ حیات بخش هستی

موجودات جهان هستی و پدیده‌های گوناگون رتبه به رتبه پشت سر یکدیگر نسبت به خداوند تعالی قرار داشته باشند.

لازمه‌ی داشتن درجات و مقامات در جهان این است که میان آنها نوعی اختلاف و تفاوت از نظر نقص و کمال و شدت و ضعف جریان داشته باشد. اختلاف و تفاوت به این معنا که لازمه‌ی مراتب هستی است، تبعیض نیست تا بر خلاف حکمت و ضد عدل شمرده شود. تبعیض در صورتی پیش می‌آید که دو موجود دارای قابلیت یک درجه از کمال باشند آنگاه به یکی اعطاء شود و از دیگری دریغ گردد؛ اما آنجا که اختلاف‌ها و تفاوت‌ها به قصورهای ذاتی بر می‌گردد تبعیض نیست.<sup>۱</sup>

### ارتباط پدیده‌های جهان با یکدیگر

بالاخره «نظام این جهان مشهود (آسمان‌ها و زمین و پدیده‌های آنها) نظام واحدی است که در آن پدیده‌های همزمان و ناهمزمان با یکدیگر ارتباط و بستگی دارند؛ اما ارتباط پدیده‌های همزمان همان تأثیر و تأثر علی و معلول به هیچ‌وجه قابل انکار نیست و اما ارتباط بین پدیده‌های گذشته حال و آینده به این صورت است که پدیده‌های

---

۱ - مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی ص ۱۳۱

گذشته زمینه‌ی پیدایش پدیده‌های کنونی را فراهم می‌سازند. اگر روابط علی و اعدادی از میان پدیده‌های جهان برداشته شود جهانی باقی نخواهد ماند و هیچ پدیده‌ی دیگری هم به وجود نخواهد آمد، چنانکه اگر ارتباط وجود انسان با هوا و نور و آب و مواد غذایی بریده شود دیگر نمی‌توانند به وجود خود ادامه دهند و زمینه‌ی پیدایش انسان دیگر یا پدیده‌ی دیگری را فراهم سازد.<sup>۱</sup>

به سخن دیگر «جهان هستی، جهان به هم پیوسته‌ای است که همه‌ی پدیده‌های آن با یکدیگر هاهنگی داشته هر کدام روی یکدیگر تأثیر مستقیمی دارند، تا آنجا که جریان نسیمی در خاور دور با وزش باد در مغرب زمینی پیوند ناگسستی دارد؛ به عبارت روشن‌تر، جهان هستی توده‌ای انبوهی از اسباب و مسببات و نظامات علت و معلولی است که همانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند و حوادث امروز، معلول حوادث دیروز بوده و حوادث دیروز نیز معلول پدیده‌های پریروز است، و همچنین و با توجه به این مطلب جهان خروشان هستی، بسان رودخانه‌ای است که در حال جریان بوده و در بستر آن، حوادثی که همگی قطعی و ضروری می‌باشد در حال گذران است و ما بر اثر شرایط زمانی و مکانی هر روز با تعدادی از این حوادث رو

---

۱ - مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه ج ۲ ص ۳۹۱ - ۳۹۰

۳۲ ..... بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

به رو بوده و آنها را گسسته از حوادث گذشته می‌پنداریم در صورتی که همین حوادث جزئی مانند رویدن یک گیاه، سبز شدن یک نهال، نزول برف و باران، ولادت یک نوزاد با کلیدی حوادثی که در جهان رخ داده پیوسته بوده و همگی بسان رشته‌ی زنجیر به هم پیوسته ضرورت وجود هر کدام در محل خود قطعی و حتمی می‌باشد.

اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سرا پای<sup>۱</sup>.

بی‌تردید آنچه در جهان هستی به چشم می‌خورد و بسیاری از حقایق عالم که قابل دیدن نیست، همگی آثار فیاض علی الاطلاق؛ یعنی خداوند عالم است. او در تحقق پدیده‌های جهان و اعطاء فیض خویش به موجودات هیچگاه شریکی ندارد و قدرت تنها از آن اوست و او یکتای بی‌همتا است؛ اما نباید از این حقیقت چشم پوشید که پروردگار عالم همه‌ی کارها و افعال خویش را به شکل معجزه آسا انجام نمی‌دهد بلکه به واسطه نیز تأثیر می‌دهد؛ چنانکه به حضرت مریم دستور داد که او نیز نقشی ایفا کند و شاخه‌ی درخت را بتکاند؛ چرا که او شاخه را بارور کرده ولی برای تناول حرکتی لازم است و آن تکاندن شاخه است. «و هذی الیک بجدع النخلة تسقط علیک رطباً جنیا»<sup>۲</sup>

۱ - سبحانی، جعفر، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه، ص ۹۳ - ۹۰

۲ - سوره مریم، آیه ۲۵

بخش اول: کلیات ..... ۳۳

و این تنه‌ی نخل را بطرف خود تکان ده رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد.

آری «اگر چه او فیاض مطلق و بخشنده‌ی حق به هر پذیرنده‌ی فیض وجود است ولی بی‌تردید برای هر نوع از انواع حقایق و کائنات عالم به تناسب واسطه‌ای از صورت‌های مجرد و جواهر عقلی که همان فرشتگان مقرب هستند قرار داده است که آنها نقش ایفا می‌کنند.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند خودداری و امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد. پس برای هر چیزی سبب و وسیله‌ای قرار داد و برای هر سببی شرح و گشایشی مقرر داشت و برای هر شرحی نشانهای گذاشت و برای هر نشانه‌ی دری‌گویا نهاد، عارف حقیقتی کسی است که این در را شناخت و نادان حقیقتی کسی است که این نادان گذشت. این در گویا رسول خداست و ما.»<sup>۲</sup>

از مطالب پیش گفته به دست آمد که در جهان هستی اتفاق، شانس و هرج و مرج حاکم نیست؛ چرا که در جهان، قانون و نظام علت و معلول (اسباب و مسببات) برقرار بوده و واسطه‌های فیض خداوند برای تحقق فیض او در جهان نقش ایفا می‌کنند. بی‌گمان

---

۱ - صدر المتألهین، اسفار، ج ۹ ص ۷۵ و ۱۴۲

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۹

۳۴ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیا بخش هستی

واسطه‌های فیض عالم نیز به تناسب استعداد و ظرفیت وجودی هر موجودی کار کرد داشته و تعیین می‌شوند. برای مثال خداوند تعالی فرشته وحی را برای نزول وحی واسطه قرار داده است؛ چرا که وحی معرفتی است که هر واسطه‌ای نمی‌تواند آن را تحمل کرده و بدون کم و کاست به صاحب وحی؛ یعنی پیامبر تحویل دهد. از سوی دیگر گیرنده وحی رسالت نیز نمی‌تواند هر کسی باشد، بلکه او باید انسانی والا، برگزیده و شایسته دریافت این معرفت الهی و وحی باشد. برای خواننده‌ی گرامی پوشیده نیست که هدف از طرح این گفتار این است که می‌خواهیم بگوییم اینک که با قانون اسباب و مسببات و واسطه‌های فیض الهی آشنا شدیم، انسان کامل و امام معصوم و به ویژه در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه از وسائط<sup>۱</sup> والا و حتمی خداوند تعالی است و در بخش دوم به طور کامل به آن خواهیم پرداخت.

---

۱ - مخفی نماند خدای متعال هم فعل با واسطه دارد، هم بلاواسطه. اگر پیامبر اعظم واسطه فیض است، خودش واسطه ندارد. همه‌ی فیوضات به واسطه اوست. امام زمان هم واسطه است میان بشر و روح اعظم نبوی که واسطه فیض خداست، همچنین اشاعره اساساً واسطه‌های فیض را قبول ندارند، و معتزله هم انسان را فاعلی در عرض خدا می‌شمارند.

**فصل سوم:**

**فرشتگان**

## فرشتگان در قرآن

بی گمان یکی از پدیده‌های اساسی و تأثیرگذار جهان هستی فرشتگان الهی هستند. این حقایق الهی نیز همچون سایر موجودات نقش وساطت در صدور فیوضات الهی را به عهده دارند. با مراجعه به قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام کارکردهای آنها آشکار گردد. علامه طباطبایی می‌گوید: «فرشتگان وسائط بین خداوند تعالی و بین اشیا در آغاز آفرینش و بازگشت هستند. بنابر آنچه که از قرآن کریم استفاده می‌شود، فرشتگان برای حوادث عالم اسباب فوق اسباب مادی در جهان مشهود به شمار می‌روند.»<sup>۱</sup>

قرآن کریم درباره‌ی فرشتگان می‌فرماید: «فالمذبرات أمراً»<sup>۲</sup> قسم به فرشتگانی که به فرمان حق به تدبیر می‌کوشند.

در آیه‌ی شریفه چند دیدگاه وجود دارد. ۱- علی علیه‌السلام می‌فرماید: آنها فرشتگاهی هستند که از امسال تا سال آینده به تدبیر امور بندگان خدا می‌پردازند. ۲- عبد الرحمن سابط می‌گوید: منظور از این آیه جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرافیل علیهم‌السلام است که تدبیر امور دینا می‌کند. جبرئیل علیه‌السلام موکل به بادهای و لشکریان خداست. و

۱ - طباطبائی، محمد حسین، المیزان ج ۲۰ ص ۱۸۲

۲ - سوره نازعات آیه ۵



۳۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی  
مکائیل موکل به باران و روئیدنی هاست و ملک الموت موکل به  
قبص ارواح و سرانجام اسرافیل که بر آنها فرمان خدا را نازل  
می کند.<sup>۱</sup>

و نیز می فرماید: «و المرسلات عرفاً فالعاصفات عصفاً»<sup>۲</sup>  
قسم به رسولانی که از پی هم فرستاده شده اند. قسم به فرشتگانی  
که به سرعت تندباد به انجام حکم حق می شتابند. یکی از تکالیف و  
وظایف فرشتگان واسطه در نزول وحی است چنانکه قرآن کریم  
می فرماید: «نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرين»<sup>۳</sup>  
روح الامین آن را به قلب تو نازل کرد تا از انداز کنندگان باشی. نیز  
فرمود:

«و ما کان لبشر أن یکلمه الله الا وحیاً او من ورائ حجاب او  
یرسل رسولا فیوحی بإذنه ما یشاء انه علی حکیم»  
برای هیچ بشری ممکن نیست که خدا با او سخنی گوید، جز از راه  
وحی یا از پشت پرده و حجاب یا فرستاده ای بفرستد پس به اذن او هر  
چه بخواهد وحی کند. آری او بلند مرتبه سنجیده کار است.<sup>۴</sup>

---

۱ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۰ ص ۲۵۴

۲ - سوره مرسلات آیه ۲

۳ - سوره شعرا آیه ۱۹۴

۴ - سوره شوری آیه ۵۱

همچنین قرآن کریم می‌فرماید: «ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر»<sup>۱</sup>.

شب قدر بهتر از هزار ماه است. فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای «تقدیر هر کاری نازل می‌شوند. شبی است سرشار از سلامت «و برکت و رحمت» تا طلوع سپیده.

سوره‌ی مبارکه (قدر) نزول فرشتگان را بخوبی تبیین می‌کند. در این سوره‌ی مبارکه از شب قدر و ویژگی آن سخن گفته است. از ویژگی‌های بارز شب قدر همان نزول فرشتگان در آن شب است و نزول فرشته، اختصاص به شب قدر ندارد، بلکه آنان جهت انجام مأموریت‌های محوله همواره در حال رفت و آمد به زمین هستند. آنچه که شب قدر را ممتاز می‌کند، نزول استثنایی و ویژه‌ی فرشتگان در آن شب است؛ زیرا ظاهر قرآن این است که تمام فرشتگان مربوط به کارهای زمین و اهل زمین در آن شب نازل می‌شوند. روح که همان جبرئیل یا فرشته‌ای بزرگتر از اوست نیز در آن شب نازل می‌شود. مأموریت همه‌ی این فرشتگان آن است که تمام امور مربوط

۴۰.....بقية الله ﷺ فروغ حیااب بخش هستی  
به یک سال را در آن شب بر انسان کامل که امام معصوم عصر است  
عرضه کنند.<sup>۱</sup>

یک انسان دین باور افزون بر عوامل و نظام‌های طبیعی در جهان  
معتقد است که یک رشته علل نامرئی و به تعبیر قرآن «المدبرات» و  
به اصطلاح احادیث اسلامی «ملک» و «فرشته» در سرازیر کردن  
الطاف و فیض‌های خداوند به این جهان نقش دارند.<sup>۲</sup>

علامه طباطبائی می‌گوید: روح القدس خود فرشته‌ای است و چه  
بسیار مومن را تأیید می‌کند و خطورات نیک و بد نیز همان سخن  
فرشته یا شیطان است که بر قلب ما خطور می‌کند.<sup>۳</sup>

### فرشتگان در کلام نورانی معصومان

درباره‌ی نقش فرشتگان در حدیث شریف چنین آمده است: «قال  
رسول الله ﷺ «من سلک طریقاً یطلب فیہ علماً سلک الله به طریقاً  
الی الجنة و ان الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم رضاه.»<sup>۴</sup>

۱ - جوادی املی، عبدالله، ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۱۲۹

۲ - سبحانی، جعفر، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه ص ۲۰۰

۳ - طباطبائی محمد حسین، رساله التوحید ص ۱۷۴

۴ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۱ ص ۴۲

بخش اول: کلیات ..... ۴۱

رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که در مسیر طلب دانش حرکت کند خداوند او را به راهی به سوی بهشت هدایت می‌کند و فرشتگان بال‌های خویش را برای دانشجو پهن می‌کنند.

معروفی به امام رضا علیه السلام نوشت قربانت گردم، چه فرقی بین رسول و نبی و امام است؟

«فكتب او قال: الفرق بين الرسول و النبي و الامام ان الرسول الذي ينزل عليه جبرئيل فيراه و يسمع كلامه و ينزل عليه الوحي و ربما رأى في منامه نحو رؤيا ابراهيم عليه السلام و النبي ربما سمع الكلام و ربما رأى الشخص و لم يسمع و الامام هو الذي يسمع الكلام و لا يرى الشخص.»<sup>۱</sup>

آن حضرت در پاسخ نوشتند یا فرمودند: فرق میان رسول نبی و امام این است که رسول جبرئیل بر او نازل می‌شود و او را می‌بیند و سخنش را می‌شنود و بر او وحی نازل می‌شود. گاهی هم در خواب می‌بیند، همانند خواب دیدن ابراهیم که دستور بریدن سر اسماعیل را در خواب دید و نبی گاهی سخن جبرئیل را می‌شنود و گاهی شخص او را می‌بیند و سخنش را نمی‌شنود؛ اما امام سخن را می‌شنود، ولی شخص را نمی‌بیند. چنانکه روشن است هدف از نقل این حدیث

۴۲.....بقية الله عز وجل فروغ حیااب بخش هستی

شریف این نیست که فرق میان رسول، نبی و امام بیان گردد هر چند این فرق نیز خود به خود آشکار می شود، بلکه هدف آن است که خواننده ارجمند به این نکته پی ببرد که فرشته در فرآیند نزول وحی چه نقشی دارد و اساساً به عنوان واسطه فیض خداوند موثر است و در این فرآیند رسول نه تنها جبرئیل را می بیند بلکه صدای او را نیز می شنود. ولی نبی گاهی جبرئیل و فرشته را می بیند و گاهی سخن او را می شنود؛ اما امام تنها سخن او را می شنود.

**بخش دوم:**

**ولایت تکوینی**

**امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف**

# فصل اول :

امام زمان عجل الله فرجه الشريف رابطہ ہی

میان خالق و مخلوق

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۴۷

### امام زمان عجل الله فرجه معدن رحمت

یکی از پرسش‌هایی که از زمان پیامبر اسلام همواره مطرح بوده، این است که مردم چگونه از امام غایب<sup>۱</sup> بهره‌مند می‌شوند. این سؤال را حضرات معصومان و به ویژه خود امام عصر عجل الله فرجه پاسخ داده‌اند. از طرح این پرسش می‌توان دریافت که پرسشگران در اقشار مختلف به همه ابعاد شخصیتی وجودی حجت‌های الهی و امامان معصوم معرفت کامل نداشته‌اند. البته این سؤال در زمان ما نیز همچنان در میان اقشار گوناگون مردم اعم از سالخوردگان، جوانان دانش‌آموزان و دانشجویان بلکه برخی از اساتید مطرح است. شاید جالب باشد، خاطره‌ای را در این باره نقل کنم. در یکی از شب‌ها که اتفاقاً شب ولادت با سعادت امام علی النقی علیه السلام بود، در یکی از شهرها در استاد سرا به مناسبت میلاد آن امام همام حدیثی خواندم. در آن جلسه برخی از اساتید دانشگاه حضور داشتند که یکی از آنان سال‌ها در امریکا تحصیل کرده و اکنون از اساتید برجسته یکی از دانشگاه‌های ایران است. او تقریباً دوران سالخوردگی را تجربه می‌کرد، ایشان در آن مجلس گفتگو، این عقیده را اظهار داشت که درباره‌ی انسان و

---

۱ - روشن است که رابطه‌ی بین جهان مادی و الهی بودن حضرت اختصاص به زمان غیبت آن حضرت ندارد.



۴۸.....بقية الله عنه السلام فروغ حیات بخش هستی

شخصیت و جایگاه وجودی آن می‌توان گفت ممکن است، پس از صدها یا هزاران سال با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی انسان‌هایی بیایند که مقام و جایگاهشان از امام معصوم بالاتر باشد؛ یعنی اگر این مسئله را یک امر عادی و معمولی ندانیم می‌توانیم آن را به عنوان یک استثنا بپذیریم. حقیر در آن مجلس به فضل الهی به پاسخ آن استاد بزرگوار پرداخته و حقیقت را برای وی روشن کردم. پرسش آن استاد محترم نشان می‌دهد که با توجه به تحمل رنج‌های فراوان برای تحصیل و ترقی انسانی، هنوز برخی از پرسش‌های معرفتی در زوایای ذهن او و دیگران وجود دارد که باید پاسخ داده شود. از این رو لازم است به این نکته توجه کنیم که حجت‌های الهی افزون بر نقش تشریحی دارای جایگاه و نقش تکوینی در جهان هستی‌اند. در این بخش نخست به نقش تکوینی پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام پرداخته، سپس درباره آن یگانه‌ی هستی و یادگار ماندگار اهل بیت عصمت و طهارت سخن خواهم گفت. از روایات معصومان علیهم السلام و آثار گوناگون دانشمندان عرفان، فلسفه و کلام می‌توان دریافت که وجود جهان هستی به وجود حجت الهی بستگی دارد و در هر عصری وجود حجت‌های الهی باعث ثبات و آرامش جهان است و اگر حجت‌های الهی در جهان نباشند رابطه‌ی بین عالم

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۴۹

مادی و جهان آفرینش قطع می‌شود در آن صورت خیرات و برکات نازل نشده و اساساً جهان هستی دچار ظلمت و تاریکی گشته و جهانیان نمی‌توانند از مواهب الهی بهره گیرند. «وابستگی سایر ممکنات به وجود امام و چگونگی آن و مسائل مشابه آن را دانشمندان و علمای حکمت و عرفان با دلایل عقلی و فلسفی و عرفانی اثبات کرده‌اند؛ چنانکه به وسیله‌ی وحی و اخبار و آثار کسانی که با علم غیب در ارتباطند و از غیب نیز خبر می‌دهند ثابت است بر حسب روایاتی که در تفسیر بعضی از آیات قرآن مجید وارد شده، همچنین روایاتی که مستقلاً روایت شده وابستگی جهان به وجود امام ثابت و مسلم است<sup>۱</sup>» بنابراین حجت‌های الهی و امامان معصوم از یک سو با خدا و از سوی دیگر با سایر موجودات رابطه دارند؛ یعنی آنان همانند گیرنده‌ای دقیق و امین فیوضات و مواهب الهی را از خداوند متعال دریافت می‌کنند و به سایر موجودات جهان هستی می‌رسانند. به همین جهت می‌گوییم آنان واسطه‌ی فیض خدا هستند. فیوضات و الطاف و مواهب الهی در تمام جهان و در هر زمان و مکان به هر موجودی می‌رسد به برکت وساطت این بندگان برگزیده‌ی الهی است. نکته اساسی این است که فیوضات الهی در

---

۱ - طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب ص ۹

۵۰.....بقية الله عنه السلام فروغ حیات بخش هستی

صورتی می‌توانند به مرحله‌ی کمال برسند که از مجرای حجت‌های الهی عبور کنند. تنها عبور از این مسیر است که فیوضات الهی را تا سرحد قابلیت استفاده می‌رساند. اینکه درباره‌ی امامان معصوم در زیارت جامعه کبیره به معدن رحمت تعبیر شده دارای اسراری است. یکی از اسرار آن وجود ثبات و استقرار رحمت در وجود آن بندگان خاص و ذوات مقدس است. یکی دیگر از اسرار آن، این است که تکون معدن و تحقق آن به قابلیت و استعداد ماده‌ی اولی و از سویی به قابلیت و پذیرش محل و جایگاه، بستگی دارد. از این‌رو وقتی به طلای گرانبها نظری می‌افکنیم به این راز پی می‌بریم که نه هر خاکی می‌تواند به طلا تبدیل شود و نه هر مکانی می‌تواند طلا ساز باشد؛ بلکه خاکی ویژه لازم است که در مکانی مخصوص قرار گیرد تا بعد از تحقق و وجود بقیه شرایط به طلا یا سایر مواد معدنی گرانبها تبدیل شود.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

بر این اساس رحمت‌های خداوندی نیز باید از مجرا و کانال و

محل خاص؛ یعنی ائمه اطهار بگذرد تا قابلیت بهره‌مندی بیابد. ولی

اگر از مجرای آنها عبور نکند هیچگاه این قابلیت را پیدا نخواهد کرد،

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۵۱

هرچند که عبور کردن از غیر مجرای خاص عادتاً محال است. این مقام و مرتبه برای امام ثابت است. امام خلیفه‌ی خدا، حجت و مجرای فیض او، فرمانده فرشتگان و تنظیم کننده‌ی روابط اسماء حسنا‌ی الهی است به گونه‌ای که به برکت وجود او باران می‌بارد، آسمان پابرجاست، همه موجودات حتی کافران و دشمنان خدا و رسول و دشمن امامان روزی می‌خورند.<sup>۱</sup> بی‌تردید جهان هستی و نظام عالم لحظه‌ای نمی‌تواند از وجود او بی‌نیاز باشد. اگر کسی چگونگی حکمت خداوند را در خلق جهان هستی بداند یقین پیدا می‌کند که به طور مسلم برخی از آفریدگان خداوند تعالی اولین مخلوقات و نزدیکترین به او و واسطه‌ی فیض قدس او هستند.<sup>۲</sup> «اساساً امام در کائنات به منزله مدار و هسته‌ی مرکزی است که تکوناً حرکات متحرک و اوضاع کائنات و بقای ثوابت و سیارات - از اتم‌ها تا منظومه‌ها و کهکشان‌ها - ارتباط به وجود او دارد و خواست و اراده‌ی خدا به این تعلق گرفته است که امام محور عالم امکان و قلب آن باشد و بقای همه مرتبط به او باشد چنانکه بقای انسان و اعضا و جوارح او ارتباط به قلب و کار آن داده است و چنانکه بقا و کار یک

۱- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۱۷۳

۲- ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، المراقبات ص ۲۴۴

۵۲ ..... بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

ماشین و دستگاه را سازندهی آن به اجزای مهم آن ارتباط می‌دهد.<sup>۱</sup> جالب است به این نکته نیز توجه کنیم که وحی الهی که مخصوص بندگان برگزیده الهی است و خداوند تعالی از طریق وحی معارف الهی و تکالیف و وظایف بندگان را بیان می‌کند در نزول وحی به پیامبران پیشین امامان معصوم نقش دارند، از جملهی «لایهتدی هادٍ إلابهدا هم» استفاده می‌شود که هدایت امت‌های پیشین نیز به خاطر پیروی و اطاعت از امامان معصوم بوده و اگر نور وجود آنها وساطت نمی‌کرد پیامبران سابق و قبل از پیامبر گرامی اسلام از فیض وحی محروم و بی‌بهره می‌شدند.<sup>۲</sup>

بنابراین امامان معصوم و حجت‌های الهی یکی پس از دیگری دارای مقام ولایت مطلقه هستند و مقام ولایت مطلقه را خداوند تعالی واسطه‌ی فیض و افاضه برای نزول مواهب و عطایای خود قرار داده است و نزول فیض‌ها و برکات الهی بر همه موجودات، و بر انسان‌ها و همچنین صعود همه موجودات و انسان‌ها به سوی پروردگار از طریق مقام ولایت مطلقه و به وساطت آنان است. چرا که «حامل ولایت مطلقه، خلیفه اعظم حق است و اوست قطب اقطاب، انسان کبیر، و آدم

۱ - صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت ص ۶۲

۲ - جوادی آملی، عبدالله ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۲۱۰

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۵۲

حقیقی که مسجود ملائکه است. و اوست مخلوق اول، و از او در مجالی مختلف به «قلم اعلی»، «عقل» و «روح اعظم» تعبیر آورده می‌شود حامل ولایت مطلقه را عقول جزئیه، آنچنان که هست نمی‌توانند بشناسند؛ و صاحبان کشف بالا هم هر کدام به اندازه‌ی خود می‌توانند بشناسند، یعنی بسیار جزئی و نه آنچنان که باید. رسول اکرم و سایر معصومین از جمله حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله فرجه صاحبان ولایت مطلق و حاملان آن هستند. حضرت بقیه الله عجل الله فرجه ولی زمان و حجت عصر است، و واسطه نزول فیض از حق و صعود خلق به سوی حق می‌باشد.<sup>۱</sup>

### چگونگی بهره‌مندی از امام زمان عجل الله فرجه در زمان غیبت

با توجه به مطالب پیش گفته روشن شد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همانند سایر امامان معصوم علیهم السلام معدن رحمت، ولی نعمت مجرای خیرات و برکات و سبب ایمنی اهل زمین و منشأ نزول فیوضات و سرچشمه آب زندگانی و حیات عقلانی برای بشریت است.

---

۱ - شجاعی، محمد، مقالات ج ۳ ص ۱۱۲-۱۱۳

پوشیده نیست که این وساطت فیض در سلسله‌ی طولی است.

۵۴ ..... بقية الله عنه السلام فروغ حیاب بخش هستی

بی تردید در هر زمانی یکی از امامان معصوم به شایستگی این نقش را ایفا می کردند و اینک که امام زمان عنه السلام در پشت پرده غیبت به سر می برند، این نقش چگونه اجرا می شود؟ در پاسخ باید گفت: ایفای نقش تکوینی آن حضرت بستگی به ظهور ندارد. هر چند فراغ و عدم ملاقات و رؤیت او خود غم و دردی جانکاه است؛ ولی آنچه مربوط به جایگاه وجودی و تکوینی او است، حضور و غیبت در آن تفاوتی نمی کند. چنانکه خود او خویشتن را در زمان غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه کرده است که هر چند خورشید در مدتی در پشت ابر پنهان باشد از انجام رسالت او چیزی نمی کاهد. چرا که امام زمان عنه السلام واسطه و رابطی بین جهان مادی و دستگاه آفرینش است.

امام زمان عنه السلام درباره‌ی بهره‌مندی موجودات و به ویژه انسان‌ها در زمان غیبت می فرماید: «اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا الانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب»<sup>۱</sup>

۱ - شیخ طوسی، الغیبة ص ۲۹۲

احمد بن علی، طبرسی، احتجاج ج ۲ ص ۵۴۵

شایسته است به این نکته توجه شود که اصل غیبت و طولانی شدن آن به خاطر این نیست که فیض آماده و مهیا نیست؛ بلکه فیض هم در بعد ولایت تکوینی و هم در بعد ولایت تشریحی مهیا است. لکن این ماییم که شرایط و قابلیت لازم را برای حضور و ظهور و قیام آن حضرت پیدا نکرده‌ایم.

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۵۵

اما چگونگی بهره‌مندی از من در زمان غیبتم، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان می‌کنند. حضرت وجود خود را به خورشید تشبیه کرده است. چنانکه خورشید منشأ حیات موجودات و سبب گرمی و حرارت و نور و حرکت و بالندگی است و با نبود آن ادامه حیات برای موجودات غیر ممکن می‌شود. حیات طبیعی و معنوی جهانیان به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه و بقای آن به بقای آن حضرت وابسته است، چنانکه در روایات اسلامی وارد شده است که امامان معصوم علیهم السلام اهداف غایی ایجاد مخلوقات‌اند. همان‌گونه که خورشید واسطه‌ی رشد تکامل و بالندگی موجودات است و از نور آن و حرارت آن جهان آباد است؛ امام نیز واسطه‌ی اعلا برای بهره‌مندی و فیض‌گیری موجودات است و فیض الهی، مانند نعمت هدایت و نعمت‌های دیگر به واسطه‌ی او به دیگران می‌رسد.

یکی از اندیشمندان می‌گوید «همه شنیده‌ایم که در روایت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است. کار آفتاب در جهان ماده چیست؟ نور آفتاب مایه هر حرکتی در کره زمین است. می‌گویند، هر حرکتی که در کره زمین نمی‌شود به نور آفتاب مرتبط است. تمام مواد انرژی‌زا از نور آفتاب است. سدهایی



۵۶ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیااب بخش هستی

می سازند و آبها را پشت آن جمع می کنند و با تونل هایی که در آن می زنند، آب را جاری می کنند و برق را تولید می کنند و در سایه برق، کارخانه ها کار می کنند. وقتی نگاه می کنیم، می بینیم حرکت آنها به نور آفتاب است. آفتاب به دریاها می تابد و آبها بخار می شوند و ابرها تشکیل می شوند و باران می بارد و اختلاف درجه حرارت پیدا می شود بادهای تولید می شوند و ابرها را حرکت می دهد و برق ایجاد می شود. نور آفتاب سرچشمه همه زیبایی ها است! تمام گل های زیبا، تمام بال و پرهای پرندگان زیبا، تمام رنگ هایشان از تابش نور آفتاب است. وقتی وجود مهدی به نور آفتاب تشبیه می شود؛ یعنی حسن و حرکت و زیبایی و جنبش و حیات، از ناحیه حضرت مهدی عج است.<sup>۱</sup>»

### پاسخ یک پرسش

اکنون جای این پرسش است که چرا پیامبر گرامی اسلام، امام سجاد و امام صادق علیهما السلام آن حضرت را به ماه رخ بر کشیده در پس ابرها تشبیه نکرده اند با اینکه می دانیم ماه نیز اثرات سازنده و بسیاری همچون روشنگری و ایجاد جزر و مد دریاها در کره ی زمین دارد؟

---

۱ - فصل نامه علمی - تخصصی انتظار نور، شماره ۱۱ - ۱۲ ص ۲۷

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۵۷

پاسخ: خورشید در مقایسه با ماه دارای ویژگی‌ها و امتیازات فراوانی است که از آن جمله:

۱ - نور و روشنایی خورشید از خودش سرچشمه می‌گیرد در حالی که ماه از خودش نور ندارد؛ بلکه تمام نور خود را از کره آتشین؛ یعنی خورشید دریافت می‌کند.

۲ - پرتو خورشید، دارای فواید بسیاری است در حالی که پرتو ماه فوایدش به این اندازه نیست.

۳ - نقش خورشید در منظومه شمسی، نقش رهبری برجسته است اما ماه آن گونه نیست؛ چرا که ماه خود یکی از سیاره‌هایی است که در منظومه شمسی شناور است.<sup>۱</sup>

### امام زمان عجل الله فرجه جان جهان

آن حضرت مرکز ثقل و محور اصلی عالم هستی است، چنانکه می‌دانیم در منظومه‌های شمسی نیروی شگرف جاذبه و گریز از مرکز قرار داده شده است. این نیرو در مرکز این مجموعه عظیم قرار داده شده است که هرچه بر گرد آن می‌چرخد همه را به سوی خود جذب می‌کند از سوی دیگر سیاره‌هایی که در حال گردشند بر آن هستند که

---

۱ - قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور ص ۳۳۹-۳۴۰

۵۸.....بقیة الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

با تمام قدرت از مرکز خویش برگزیند و دور شدند. آنجاست که به برکت این نیروی جاذبه و گرید از مرکز توازن و تعادل مورد نظرند بیرگر توانای این نظام شگرف تأمین حیات و بقای میلیون‌ها منظومه شمسی شناور در فضا تضمینی می‌گردد. بر این اساس عامل بقای این مجموعه، نظم شگرف حاکم بر آنها و گردش شگفت انگیزشان تنها نیروی جاذبه است، نیرویی که اگر لحظه‌ای نباشد؛ این نظام شگرف از هم می‌پاشد و این منظومه به هم ریخته و تمامی سیاره‌ها پراکنده گشته و با خروج از مدار برخورد می‌کنند.<sup>۱</sup> اکنون با این تشبیه به خوبی روشن می‌شود که آن حضرت «جان جهان» است. او بقای جهان آفرینش را تأمین و تضمین کرده است. او با حقیقت نور خویش توازن و تعادل جهان شگفت‌آور پهناور را به ارمغان آورده است. بی‌تردید گلبافته‌های جهان، اتحاد و انسجام هستی از چشمه‌سار وجود آن آب زلال حیات و زندگانی سرچشمه گرفته و شکوفه‌های با طراوت عالم تنها به لطف بی‌دریغ او بوی خوش و سرزندگی یافته‌اند.

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۵۹

چنانکه در دعای توسل می‌گوییم: «یا سیدنا و مولانا إنا توجهنا و  
استشفعنا و توسلنا بک الی الله و قدمناک بین یدی حاجتنا یا وجیها  
عندالله شفیع لنا عندالله»<sup>۱</sup>

همچنین می‌خوانیم: «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و  
السماء»<sup>۲</sup>

از برکت وجود او «یعنی حجت و نماینده الهی» مردم روزی  
می‌خوردند و به خاطر هستی او آسمان و زمین برپاست. «ارتباط  
وجود سایر ممکنات با وجود ولی و قطب جهان به حکم خبر صادق و  
مصدق؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام ثابت است اگرچه  
ارتباط غیر ارادی باشد؛ مثل ارتباط منظومه شمسی با شمس و  
اجزای اتم با هسته‌ی مرکزی و هزاران هزار روابط تکوینی که در  
عالم جماد نبات و حیوان و انسان و بین اعضا و اجزای آنها برقرار  
است.»<sup>۳</sup>

بی‌تردید انسان‌ها باید از طریق آن امام همام با خداوند تعالی  
رابطه برقرار کنند و از این مجرا به اهداف خویش دست یابند؛ چرا  
که انسان‌های عادی هیچگاه این صلاحیت را ندارند که به ساحت

۱ - مفاتیح الجنان، دعای توسل

۲ - همان، دعای عدیله

۳ - صافی - لطف ا. . وابستگی جهان به امام زمان عجل الله فرجه ص ۲۰

۶۰.....بقية الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

حضرت حق بسیار بالا و پاک است و روی ما بشر در باطن امر بسیار ظلمانی و آلوده است و راهی جز این نیست مگر از طریق واسطه‌های فیض او با پروردگار متعال پیوند فرحزا برقرار کند.<sup>۱</sup> «وجود مقدس امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه‌ی میان عالم مادی و عالم و ربوبی است. اگر امام روی زمین نباشد نوع انسان منقرض خواهد شد. اگر امام نباشد خدا به حد کامل شناخته و عبادت نمی‌شود. اگر امام نباشد رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع می‌گردد. قلب مقدس امام به منزله‌ی ترانسفورماتور است که برق کارخانه را به هزاران لامپ می‌رساند. اشراقات و افاضات عالم غیبی، اولاً بر آینه پاک قلب امام و به وسیله‌ی او بر دل‌های سایر افراد نازل می‌گردد. امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و معلوم است که حضور و غیبت او در تربیت این آثار تفاوتی ندارد.»<sup>۲</sup> بر این اساس مبدأ افاضه قلب امام است. که به دلیل سیطره و تسلط بر باطن و ملکوت موجودات، به هر موجودی به اندازه‌ی زمینه و استعدادش برکات و فیوضات را افاضه می‌کند به همین جهت است که باید در جهان در هر زمانی امام زنده باشد و از آیه‌ی شریفه «یوم ندعوا کل اناس بامامهم» استفاده می‌شود که در هر زمانی امام

---

۱ - شجاعی، محمد، مقالات ج ۳ ص ۱۱۵

۲ - امینی، ابراهیم، دادگستر جهان ص ۱۵۴-۱۵۵

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۶۱  
موجودات و توسط و تک تک افراد بشر خوانده می‌شوند. مکتب  
انسان‌ساز تشیع اساس تعالی اسلام را بر مبنای امامت می‌داند در  
زمان رسول الله صلی الله علیه و آله خود آن حضرت امام بوده است و توسط آن قلب  
بیدار به قلب‌های امت معارف افاضه می‌گردد و سپس توسط امامان  
معصوم علیهم السلام یکی پس از دیگری تا حضرت «بقیة الاعظم عجل الله فرجه»  
هر قلبی به اندازه ظرفیت وجودی خود اشباع می‌گردد.<sup>۱</sup>

«لذا شیعه ولو در زمان غیبت به علت توجه کامل به مصدر  
خیرات و علوم از آن کانون علم و معرفت بهرمنند می‌شود؛ گرچه  
بدون تردید حضور امام اثرش بیشتر و فوئادش به مقدار فراوانی  
زیادتر است، بخلاف غیرشیعه که دل آنها به این معدن ارتباطی ندارد،  
نفس آنها در خود متحیر و راهی به خروج از خود باز نمی‌نماید.»<sup>۲</sup>

### دیدگاه هنری کرین

پروفسور هنری کرین فیلسوف شرق شناس فرانسوی می‌گوید:  
«به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را  
میان خدا و خلق همیشه زنده نگه داشته و به طور مستمر و پیوسته  
ولایت را زنده و پا برجا می‌گذارد. مذهب یهود، نبوت را که رابطه‌ی  
است واقعی میان خدا و علم انسانی، در حضرت کلیم ختم کرده و پس

۱ - حسینی تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی ج ۱، ۱۸۱-۱۸۲

۲ - همان ص ۱۸۲

۶۲.....بقية الله ﷺ فروغ حجاب بخش هستی

از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد ﷺ اذعان ننموده و رابطه‌ی مزبور را قطع می‌کند و نیز مسیحیان در حضرت عیسی علیہ السلام متوقف شدند و اهل سنت از میان مسلمانان نیز در حضرت محمد ﷺ توقف نموده و باختتم نبوت در ایشان، دیگر رابطه‌ای میان خالق و خلق موجود نمی‌دانند.

تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد ﷺ ختم شده می‌داند؛ ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی حکایت می‌کند، به واسطه‌ی دعوت‌های دینی قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد ﷺ و بعد از حضرت محمد ﷺ به واسطه‌ی همین رابطه‌ی ولایت جانشین وی (به عقیده‌ی شیعه) زنده بوده و هست و خواهد بود و این حقیقتی هست زنده که هرگز نظر علمی نمی‌تواند آن را از خرافات شمرده و از لیست حقایق حذف نماید. به عقیده‌ی من، همه‌ی ادیان حق بوده و یک حقیقت زنده‌ای را دنبال می‌کنند و همه ادیان در اثبات وجود این حقیقت وجود این حقیقت زنده مشترک هستند.

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۶۳

آری تنها مذاهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانده است.<sup>۱</sup>»

«خلاصه رسیدن فیض پیاپی هستی و تحقق «مراحل افاضات اشراقیه» به وجود ولی وابسته است، او چونان آینه‌ای تابان در برابر مطلع انوار بی‌کران ازلیت قرار می‌گیرد و فروغ حیات بخش هستی را بر جان کائنات - هم در مرحله‌ی تحقق و هم تداوم - منعکس می‌سازد.<sup>۲</sup>»

به هر روی دو جریان بسیار اساسی و سرنوشت‌ساز به وجود حجت و خلیفه‌ی الهی در زمین بستگی دارد. یکی سامان داشتن کائنات ارضی و دیگری سامان یافتن اجتماعات بشری جریان نخست به تداوم نظم و تکوین در جهان و جریان دوم به سامان یافتن زندگی و حرکت انسان مربوط است به بیان دیگر جریان اول به ولایت تکوینی و جریان دوم به ولایت تشریحی مربوط است، روشن است که جریان نخست؛ اصل و مقدم است. اگر در زمان‌هایی جریان دوم قابل اجرا و پیاده نبود، بی‌گمان جریان نخست جاری و بر جای استوار خواهد بود.<sup>۳</sup>

---

۱ - ظهور شیعه، مجموعه مصاحبه استاد علامه طباطبائی و پروفیسور هنری کربن ص ۷، معارف اسلام ص ۲ ص ۱۳۱

۲ - حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب ص ۱۸۶

۳ - همان ص ۱۸۸-۱۸۹



۶۴ ..... بقية الله عنه فروغ حياى بخش هستى

### سخنان نورانى معصومان

اينک به برخى از رواياتى که در اين باره وارد شده است نظرى مى افکنيم.

۱- على عليه السلام مى فرمايد:

اللهم بلى لاتخلوا الارض من قائم لله بحجة، اما ظاهراً مشهوراً و  
اما خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بيناته...»<sup>۱</sup>

بار خدايا! البته چنين است که زمين از حجت تهى نخواهد ماند،  
چه آشکار باشد و شناخته و چه «بنا به علتها و حکمتها» نگران از  
ستمگران و پنهان تا حجتهاى الهى و بنيات او از بين نرفته و باطل نشود.

امير مومنان عليه السلام در جاى ديگر مى فرمايد: «... فاناصنايع ربنا و  
الناس بعد صنائع لنا»<sup>۲</sup> همين سخن را فرزند گرامى آن حضرت يعنى  
حضرت مهدى عنه فرموده است:

«نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا»<sup>۳</sup>

ما دست پروردگان بى واسطه خداوند و مردم تربيت شده و دست  
پروردهى ما هستند. از اين سخن به روشنى استفاده مى شود که امامان  
معصوم واسطه‌ى فيض حق هستند.

آن حضرت در حديثى ديگرى درباره‌ى نقش موثر امامان  
معصوم عليهم السلام مى فرمايد: «... فانهم يسألون الله فيخلق و يسألونه فيرزق

۱ - نهج البلاغه ص ۱۱۵۸

۲ - همان ص ۸۹۴ نامه ۲۸

۳ - طبرسى، احمد بن على، احتجاج ج ۲ ص ۵۳۶

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۶۵  
ایجاباً لمسألتهم و إعظاماً لحقهم.<sup>۱</sup> « ائمه عليهم السلام از خداوند درخواست  
می کنند خداوند تعالی خلق می کند. از خدا طلب روزی می کنند، خدا  
هم روزی می دهد. برای این که خواستهی آنان را احابت و شأن و  
مقام آنان را عظیم گرداند.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «و انتم نور الاخيار و هداة  
الابرار و حجج الجبار بكم فتح الله و بكم يختم و بكم ينزل الغيث و  
بكم يمسك السماء أن تقع على الارض إلا باذنه و بكم ينفس الهم و  
يكشف الضر و عندكم ما نزلت به رسله و هبطت به ملائكته<sup>۲</sup>»

و شما روشی قلب نیکان و هدایت کنندهی خوبان و حجت های  
خداوند مقتدر. خداوند به شما آغاز کرد و به شما به پایان می برد. و  
به سبب شما است که باران نازل می کند و آسمان از فرو افتادن بر  
روی زمین مگر به اذن و اجازه خداوند حفظ کند. به سبب شما غم و  
اندوه را می برد. و رنج ها و سخن ها را بگشاید و آنچه رسولان حق و  
برای آن ملائکه فرد آمدند نزد شماست.

امام رضا عليه السلام می فرماید: «الامام السحاب الماطر و الغيث الهاطل  
و الشمس المضيئة و السماء الظليلة و الارض البسيطة و العين الغزيرة  
والروضة<sup>۳</sup>» امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی

۱ - همان ص ۵۴۶

۲ - طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۰۷؛ مفاتیح الجنان،  
زیارت جامعه کبیره

۳ - کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۶

۶۶ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیا بخش هستی

است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده چشمه‌ای است جوشنده و برکه و گلستان است.»

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «نحن ائمة المسلمين و حجج الله على العالمين و سادات المؤمنين و قادة الغر المحجلين و موالی المسلمين و نحن امان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السماء و بنا یمسك أن تقع على الارض إلا باذنه و بنا ينزل الغيث و تنشر الرحمة و تخرج برکات الارض و لو لا ما على الارض منا لساخت باهلها»

ما پیشوای مسلمانان و حجت‌های الهی بر جهانیان سادات و سرور مؤمنان و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم ما سبب ایمنی اهل زمین هستیم؛ چنانکه ستارگان امان اهل آسمان‌اند. به واسطه‌ی ماست که آسمان بر زمین فرود نمی‌آید، مگر زمانی که خدا بخواهد، به واسطه‌ی ماست که باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می‌شود. اگر ما روی زمین نبودیم زمین اهلش را فرو می‌برد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لو أن الامام رفع من الارض ساعة لساخت باهلها و ماجت كما یموج البحر باهلها»<sup>۲</sup>

اگر امام ساعتی «لحظه‌ای» از زمین برداشته شود اهلش را در خود فرو می‌برد و آنچنان به شدت متلاطم می‌شود که دریای طوفانی متلاطم می‌گردد.

---

۱ - طبرسی، احمد بن علی، احتجاج ج ۲ ص ۱۵۱

۲ - کلینی محمد بن یعقوب اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۰

# فصل دوم:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه

فیض معنوی

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۶۹

امام زمان عجل الله فرجه واسطه هدایت جهانیان هدایت، اساسی‌ترین و سرنوشت‌سازترین حقیقت جهان هستی است. چرا که همه موجودات عالم به ویژه انسان به وسیله‌ی هدایت یافتن به کمال نهایی خویش مایل می‌شوند. پوشیده نیست که در عالم هر موجودی به تناسب جایگاه و جودی و جوانی خویش از هدایت برخوردار است؛ چرا که «جهان ما جهانی هدف‌دار است؛ یعنی در درون موجودات کاشی به سوی هدف کمالی‌شان موجود است و هدف‌داری همان هدایت الهی است.»<sup>۱</sup> بی‌تردید هدایت از سوی خداوند صورت می‌گیرد و اوست که همه چیز و همه کس را هدایت می‌کند. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «قال ربنا الذی اعطى کل شیئ خلقه ثم هدی»<sup>۲</sup> موسی گفت: پروردگار من کسی است که به هر موجودی خلقت لازم‌اش را دارد و سپس هدایتش کرد. نیز آمده است: «ان علینا للهدی»<sup>۳</sup>. بر ماست که انسان را هدایت کنیم.

بی‌گمان هدایت یکی از امور معنوی است که توسط امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله فرجه تحقق می‌یابد و هدایت‌دارای دو معناست که یکی همان نشان دادن راه و ارائه طریق و دیگری

---

۱- مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی ص ۱۴۲

۲- سوره ی طه، آیه ی ۵۰

۳- سوره ی لیل، آیه ۱۲

۷۰.....بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

ایصال و رساندن به واقع و حق است. ارائه طریق از هر کسی می‌تواند صورت بگیرد. چه امام باشد یا غیر امام، چه خود ذاتا راه یافته باشد یا هدایت به غیر پیدا کرده یا حتی خود هدایت نیافته و گمراه باشد. ولی ایصال به متن واقع و کمال هر موجود تنها اختصاص به هدایت شدگان به سوی حق دارد؛ یعنی امامت قوه‌ای الهی است که به آن بر نفوس و ملکوت موجود است سیطره و تسلط دارد و با وجود این نیز و تمام ارواح و نفوس در حضور ولایت قرار می‌گیرد. در نزد افرادی که به مرحله‌ی امامت نرسیده‌اند ممکن است بسیاری از اعمال و اقوال در اثر تقوی و عبادت و مخالفت با هوای نفس با اندازه‌ای روشن شود، ولی اینها هیچگاه سیطره کلی به تمام ارواح و نفوس ندارند. لذا هدایت آنان هر یک را به نوبه و به قدر ظرفیت به جد کمال خود نخواهد بود. ولی در امام، چشم قلب به اندازه‌ای قوی و تیزبین شده است که چیزی از ملکوت در هیچ زمان مکانی از او پوشیده نیست.<sup>۱</sup>

از این رو آشکار می‌شود که «نور وجود و علم و هدایت به وسیله‌ی مهدی عز وجل به خلق می‌رسد، زیرا به احادیث بسیار ثابت شده است که محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله علل غایی ایجاد خلقتند. بنابراین

---

۱ - تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی ج ۱ ص ۲۳۶ - ۲۴۱

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۷۱

اگر آنان نبودند، نور وجود و تحقق به دیگران نمی‌رسید. معارف واقعی و حقایق راستین نیز، به برکت آنان و توسل جستن به ایشان به مردم افاضه می‌شود. همچنین بلاها و گرفتاریها به فیض آنان برطرف می‌گردد.» اساساً وجود امام در حق بندگان الهی لطف است. زیرا لطف چیزی است؛ که انسان‌های مکلف با وجود آن به انجام طاعت نزدیک‌تر و از ارتکاب معصیت دورتر خواهند بود.<sup>۱</sup> بدین روی از این طریق فیض بی‌کران الهی به مردم خواهد رسید؛ یعنی امام زمان عجل الله فرجه واسطه فیض حق تعالی در رشد و ترقی معنوی انسان‌ها می‌باشد.

### پاسخ یک پرسش

«امامیه به غیبت امام اعتقاد دارد و وجه غیبت را این می‌داند که مکلفان به وظایف خود نسبت به امام که اطاعت و انقیاد از او و نصرت و یاری دادن اوست، عمل نکردند، بلکه در صدد قتل وی برآمدند. از طرفی لطف بودن امام، مشروط به این است که امام در میان مردم حضور داشته و دسترسی به او امکان‌پذیر باشد. بنابراین در

---

۱ - محقق طوسی، کشف المراد ص ۳۶۲، قواعد العقائد، ص ۸۲؛ علامه حلی، باب حادی

۷۲.....بقية الله عنه السلام فروغ حیااب بخش هستی

عصر غیبت لطف بودن امام تحقق نخواهد پذیرفت... بنابراین غیبت امام با لطف بودن امامت سازگاری ندارد؟»

پاسخ: ما در فصل پیش درباره‌ی تأثیر و نقش امام زمان عنه السلام در زمان غیبت به طور مسبوط سخن گفتیم و اکنون تنها اشاره‌ای به آن می‌کنیم. «چنین نیست که وجود امام هر چند غایب، به هیچ وجه در حق مکلفان لطف نباشد، زیرا اعتقاد به این که امام اگر چه غایب است، ولی از گفتار و رفتار مردم آگاه است و اصولاً غیبت او به این صورت نیست که در نقطه‌ای دور از مردم زندگی کند و از مردم به کلی بی‌خبر باشد، میتواند نقش مؤثر در گرایش انسان‌ها به سوی فضیلت و معنویت و دوری از تباهی و معصیت داشته باشد پس وجود او به خودی خود لطف در حق مکلفان است، هر چند تصرف او در امور و رهبری دینی و سیاسی او، در فرض حضور لطف دیگری است. محروم شدن از این لطف، ناشی از سوء رفتار مردم است به امام یا خداوند متعالی باز نمی‌گردد.»<sup>۱</sup>

---

۱- فصل نامه علمی - تخصصی انتظار نور، شماره ۵ ص ۱۲۵، سبحانی، جعفر،

المحاضرات فی الالهیات، ص ۵۶۹



بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۷۳

محقق طوسی گفته است: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا»<sup>۱</sup> جود امام لطف است و تصرف او در امور لطف دیگری است و غیبت و عدم حضور او به خاطر سوء رفتار ما انسان‌ها است. از سویی مناظره هشام بی حکم با دانشمند شامی نیز بیانگر نقش و فائده معنوی امام است. «هشام بی حکم متکلم بی نظیر عصر خود در مناظره‌های که با پیشوای معتزله در بصره یعنی عمرو بن عبید معتزلی انجام داد، به فایده معنوی وجود امام به گونه‌ای دلپذیر اشاره نموده است»<sup>۲</sup>.

با نقل متن مناظره، نقش معنوی و اساسی امام علیه السلام آشکار خواهد شد.

هشام: آیا چشم داری؟ عمرو: بلی. با آن چه می‌کنی؟ رنگ‌ها را می‌بینم. گوش داری؟ آری. با آن چه کار می‌کنی؟ با آن صداها را می‌شنوم. بینی داری؟ آری. با آن چه می‌کنی؟ با آن بوها را استشمام می‌کنم.

وی سپس از وجود حواس دیگر، مانند ذائقه و لامسه... و نقش آنها در وجود انسان پرسید و از عمرو بن عبید پاسخ‌های صحیح

۱ - محقق طوسی، کشف المراد، ص ۳۶۲

۲ - سبحانی، جعفر، الهیات و معارف اسلامی ص ۳۸۳

۷۴ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیا بخش هستی

شنید. سپس افزود: قلب (عقل) هم داری؟ وی پاسخ گفت: دارم هشام گفت نقش قلب در انسان چیست؟ وی گفت به وسیله‌ی آن آنچه بر اعضای بدنم می‌گذرد تمیز می‌دهم. هشام افزود نقش دیگر آن چیست؟ عمرو گفت: هرگاه یکی از حواس در ادراک خود خطا کند و یا تردید نماید، به قلب (عقل) رجوع می‌کند و تردید او را از بین می‌برد. در این موقع هشام نتیجه گرفت خداوندی که برای رفع تردید حواس و اعضای من چنین پناهگاهی را آفریده است آیا ممکن است جامعه انسانی را به حال خود واگذارد و امامی برای آنان تعیین نکند که شک و تردید و حیرت و خطای آنها را برطرف نماید.<sup>۱</sup>

### فیض معنوی در زیارت جامعه کبیره

در زیارت جامعه کبیره امامان معصوم علیهم السلام بعنوان «قادة الامم» معرفی شده‌اند که به معنای رهبران امت است قیادت شامل هرگونه رهبری مادی و معنوی می‌شود. از آنجا که «امم» نیز عام است و امت‌های گوناگون را دربر می‌گیرد؛ از این رو می‌توان گفت هر امتی در هر زمان و مکانی از فیض مادی با معنوی بهره‌مند شد از برکت وجودی ائمه اطهار علیهم السلام است. بنابراین مهمترین فیض الهی که نظر

---

۱ - کلینی، محمد بن یعقوب اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۰

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۷۵

اصلی این جمله زیارت به آن است. جزو فیوضات معنوی شمرده می‌شود، فیض هدایت، پیدا کردن مسیر حرکت الهی است. سهم ائمه اطهار علیهم السلام در هدایت جوامع بشری به صراط مستقیم در مرحله وساطت در نزول وحی، تلاش برای ابلاغ و تبیین متن وحی، پیکار برای اجرای آن و سایر مراحل، برای هیچکس قابل انکار نیست.<sup>۱</sup>

بی‌گمان در جای جای این زیارت شریف وساطت ائمه اطهار علیهم السلام و نعمت‌های معنوی مورد تأکید قرار گرفته است؛ مانند: موضع الرسالة، مختلف الملائكة، مهبط الوحي، خزان العلم، ابواب الايمان، محال معرفة الله، معدن حكمة الله، حفظة سر الله، حملة كتاب الله، المطهرين لامر الله و نهيه...<sup>۲</sup> جایگاه رسالت، مرکز رفت و آمد فرشتگان، محل نزول و فرود وحی، گنجینه‌های دانش، دروازه‌های ایمن، جایگاه‌های شناخت خدا، معدن‌های حکمت خدا، حافظان راز خدا، حاملان کتاب خدا، آشکار کنندگان امر و نهی الهی.

چنان‌که در همین زیارت شریف به اوصافی همچون «بقية الله و خیرته و حزبه و عیبة علمه و حجتہ و صراطه و نوره و برهانه...»

۱ - جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۲۰۶-۲۱۲

۲ - طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۰۷؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره

۷۶..... بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

الائمة الراشدن»<sup>۱</sup> ذخیره الهی و برگزیده و سپاه و گنجینه‌های دانش و حجت و راه نور الهی و امامان راهبر و راهنما تعبیر شده است.

### نور امام فروزان‌تر از نور خورشید

امام صادق علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «نور الامام فی قلوب المومنین انور من الشمس المضيئة بالنهار و هم و الله ينورون قلوب المومنین و حجب الله نورهم عن يشاء فتظله قلوبهم»<sup>۲</sup>

نور امام در قلب مومنان از نور خورشید روشنی بخش در روز بیشتر است. به خدا سوگند: قلوب مومنان را آنان نورانی می‌کنند، خداوند به حمت خود نورشان را از عده‌ای دریغ می‌کند پس ظلمت و تاریکی قلب‌های آنان را فرا می‌گیرد.

از مجموعه‌ی آثاری که درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نگاشته شده به طور یقین استفاده می‌شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به بزرگان، علما و مراجع عظام عنایت فراوان داشته و چه بسا مشکلات علمی آنان را برطرف فرموده است. برای مثال می‌توان ملاقات مقدس اردبیلی و پرسیدن پرسشهای علمی و دریافت پاسخ از آن حضرت را ذکر کرد.

۱ - جوادی آملی، ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۲۲۸-۲۲۹

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۶

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۷۷

بی تردید «اشرفات و افاضات عوالم غیبی اولاً برآینه پاک قلب امام و به وسیله او بر سایر افراد نازل می گردد.»<sup>۱</sup>  
از نمونه‌های دیگری که برخی بزرگان معاصر درباره فیوضات معنوی آن حضرت نقل کرده‌اند چنین است.

«مسلماً، هدایت‌های عمومی، از آن همه است، اما هدایت‌های خصوصی، مربوط به انسان‌های وارسته است که خود را در معرض بهره‌گیری از فیوض آن حضرت قرار می‌دهند. این گروه در میان ما هر چند اندک‌اند، ولی فی نفسه، کم نیستند. چندی قبل، یکی از دوستان مرا دعوت کرد و یک سری مسائل دینی را با من در میان گذاشت. از پرسشهای ایشان، فهمیدم که وی عازم زیارت خانه خداست، لذا تذکراتی در این مورد به او دادم. او فرد قابلی است. پس از حج، به دیدارش رفتم. وی واقعه‌ای نقل کرد که ذکرش در اینجا مناسب است. او گفت غروب عرقه که ماشین‌ها عازم محشر بودند، ترافیک، مانع از حرکت ماشین‌ها شده بود. من چاره ندیدم جز این که پیاده شوم و در حال پیاده به محشر برویم ولی به جای این که همراه ماشین و مردم حرکت کنم، برای پیدا کردن راه خلوت، کمی به سوی چپ منحرف شدم، ناگاه خود را در بیابانی دیدم. نزدیک بود که تاریکی شب، همه جا را بپوشاند. در حیرت فرو رفته بودم. توسل به

---

۱ - امینی، ابراهیم، دادگسترجهان ص ۱۴۶

۷۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حيا ب بخش هستی

حضرت جستم. دعا کردم و عرض کردم که «خدایا! اگر قرار بود من بمیرم بهتر بود در همان وطن می ماندم و می مردم نه در بیابان تاریک ناپیدا کرانه.» در همین اندیشه بودم که ناگاه، انسانی در چند قدمی خود مشاهده کردم که به سوی من می آید. او پس از سلام، به من گفت: «حاجی! اینجا نشسته ای!». گفتم: «آری؛ راه گم کردم.» گفت: «همراه من بیا تا راه را به تو نشان دهم.» حرکت کردم و چند قدمی با او رفتم. ناگاه خود را در کنار کاروان ها دیدم که به سوی محشر روانه بودند. دیگر آن شخص را ندیدم. بالاخره معلوم نشد از کجا آمد و به کجا رفت. قطعاً، این یکی از فیوض معنوی بود که به سبب قابل بودن، از ناحیه آن حضرت به وی رسید.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: إن الامامة زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المومنين، إن الامامة اس الاسلام النامي و فرعه السامي، بالامام تمام الصلاة و الزكاة و الصيام و الحج و الجهاد.<sup>۲</sup> به راستی امامت زمام دین، و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است امامت ریشه با نمو الاسلام و شاخه بلند آن است، کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد توسط او صورت می گیرد.

---

۱ - فصل نامه علمی - تخصصی انتظار ویژه امام مهدی (عج) شماره ۴ ص ۲۲-۲۳  
مصاحبه با حضرت آیت الله سبحانی حفظه الله.

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۶

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۷۹  
با توجه به این که تنها ذخیره و میراث و از ولایت محمد و آل  
محمد است در عصر و زمان ما حضرت ولی عصر عجل الله فرجه است  
بی تردید او واسطه‌ی فیوضات الهی در امور معنوی است.

### امام زمان عجل الله فرجه برپا کننده‌ی فیض عدالت

بی گمان برکات و فیوضات معنوی بی‌شمار و فراوان آن حضرت  
در زمان ظهور و تشکیل حکومت الهی او محقق می‌شود. پرچم  
سرافراز اسلام به دست توانا و مبارک آخرین ذخیره‌ی الهی به اهتزاز  
در می‌آید. او جهان را پر از عدل و داد کرده، و از شرک، ظلم و  
تباہی نجات می‌دهد. آری او تنها منجی عالم بشریت است. به راستی  
جهان تشنه و منتظر عدل است و عدالت منتظر مهدی عجل الله فرجه است.  
از این رو به دست توانا و الهی او در پهنه‌ی گیتی حکومت عدل  
الهی تشکیل می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إذا قام القائم لا یبقی  
ارض إلّا نودی فیها شهادة أن لا إلّا الله و أن محمداً رسول الله»<sup>۱</sup>  
زمانی که حضرت قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نمی‌ماند، مگر  
این که فدای شهادتین «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» در آن  
طنین‌انداز می‌شود.

۱ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۸

۸۰.....بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

علی علیه السلام می فرماید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی گرداند، زمانی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند، و رأی را به قرآن بریم گرداند، زمانی که مردم قرآن را به رأی و اندیشه خود مبدل کرده باشند.<sup>۱</sup>

چنان که آشکار است آن حضرت دادگستر جهان است «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» که در احادیث فراوانی ذکر شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «قیامت برپا نمی شود مگر این که مردی از اهل بیت من که اسمش شبیه اسم من است، حاکم شود و زمین را پر از عدل و قسط کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.<sup>۲</sup>

ترقی و تکامل علمی و عقلی نیز از فیوضات معنوی است که از چشمه سار فیض آن ذخیره الهی نشأت می گیرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «علم، بیست و هفت حرف است. تمام آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا امروز بیش از آن دو حرف نمی شناسند. هرگاه که قائم عجل الله تعالی فرجه ما قیام کند، بیست و پنج حرف را می آورد و بین مردم توسعه می دهد و به دو حرف قبلی اضافه نموده تا بیست و هفت حرف کامل شود.»<sup>۳</sup>

۱ - فیض الاسلام، علی نقی، شرح نهج البلاغه ص ۴۲۴ خ ۱۳۸

۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱

۳ - همان ج ۵۲ ص ۳۳۶



# فصل سوم:

امام زمان عجل الله فرجه الشريف

واسطه فیض مادی

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۸۲

## نزول روزی خلاق به یمن وجود امام زمان عجل الله فرجه

بی تردید امام عصر عجل الله فرجه همچنان که رابطه بین جهان الهی و مادی و واسطه فیض فراوان حضرت حق در امور معنوی است، واسطه رساندن فیض بی کران مادی الهی به صاحبان آن نیز می باشد؛ چرا که او خود فرموده است. «ما از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نکرده و هیچگاه شما را از یاد نبرده ایم. اگر جز این بود امواج سهمگین سختی ها بر شما فرود می آمد و دشمنان کینه توز شما را ریشه کن می ساختند.»<sup>۱</sup> تاریخ زندگی بشر گواه این حقیقت است که چگونه ستمگران و جباران در دوران حکومت های سیاه خویش به پیروان امامان معصوم علیهم السلام و شیعیان خالص امام عصر عجل الله فرجه ستم روا داشته و برای نابودی آنان از هیچ جنایتی فرو گذار نکرده اند. «در عصر سیاه حکومت های منحرف و خودکامه اموی و عباسی و عثمانی و... قدرت های مسلط همواره با شیعه پیکار می کردند و آنان را مورد تعقیب و سرکوب و آزار قرار می دادند اگر دعای امام علیه السلام و عنایت حضرت مهدی عجل الله فرجه نبود، می باید یکی از آنان هم باقی نمی ماند و همه پیروان خاندان رسالت و وحی ریشه کن می شدند.»<sup>۲</sup>

۱ - احمد بن علی، احتجاج ج ۲ ص ۵۹۸

۲ - قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی عجل الله فرجه از ولادت تا ظهور ص ۳۶۹

۸۴..... بقية الله عز وجل فروغ حجاب بخش هستی

بشر به دلیل دارا بودن جنبه‌های معنوی و مادی دارای، هم نیازهای معنوی و هم مادی است؛ ولی از جهت نیازها و جنبه‌های مادی انسان‌ها لازم است نخست نقش و تأثیر برخی از تربیت یافتگان مکتب شیع و پیرامون امام زمان عز وجل که آنان با رشد و ترقی و کمال معنوی و رسیدن به قلّه‌های پیشرفت تا جایی رسیده‌اند که ولایت یافته واسطه‌ی فیض شده‌اند، یادآوری شود تا نقش وساطت آقا امام زمان عز وجل روشن‌تر و ملموس‌تر گردد که اگر پیروان آن حضرت توانسته‌اند به چنین جایگاهی دست یابند، پس حقیقت صاحب این همه مقامات و کمالات برای ما ناشناختی و دست نیافتنی است. ولی:

آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید

وساطت و نقش اساسی برای دریافت فیض الهی از سوی آن حضرت امری انکارناپذیر است. به طوری که برخی از شیعیان و پیروان خاص امام عصر عز وجل از عنایات و توجهات آن ذخیره‌ی الهی بهره برده‌اند. عارف نامی مرحوم آیت الله بها الدینی می‌گوید: «فرزند بزرگ مرحوم حاج شیخ عباس قمی - صاحب مفاتیح الجنان - نزد بنده کفایه می‌خواند! و تعریف می‌کرد که: روزی قند و چای در منزل نداشتیم و پولی هم که بتوان آن‌ها را تهیه کرد در اختیارمان

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۸۵

نبود. با این حال به خانم گفتم سماور را روشن کنید. ایشان خیر از نداشتن قند و چای داد. بنده به اعتبار این که معتقد بودم خداوند بنده‌اش را فراموش نمی‌کند و رازق همه انسانهاست. عرض کردم: قند و چای نیست، اما آب و سماور که هست، سماور را روشن کنید. خدا بزرگ است. آب سماور هنوز جوش نیامده بود که صدای در خانه را شنیدم. چون در را گشودم مردی را دیدم که پانصد تومان در دست دارد، سلام کرد و احوال‌پرسی کرد به من گفتم: این پول را بگیرید؛ گفتم مربوط به چیست؟ امانت است؟ وجوهات شرعی است؟ یا... گفتم: نمی‌دانم. بنده حواله‌ای از طرف پدرتان مرحوم حاج شیخ عباس داشتم، آمدم تا تقدیم کنم و بروم، خداحافظی کردیم و من داخل خانه شدم، ناگاه به فکر فرو رفتم، که پدر ما سالهاست از دنیا رفته است و خداوند به خاطر مقام او و قرب الهی‌اش، او را واسطه قرار داده تا زندگی ما اداره شود.»<sup>۱</sup>

بی‌گمان این مقامات و حاصل زحمات و تلاش‌ها و خلوص چنین بندگانی است که می‌توانند دارای مقام وساطت شوند و اگر کسی بخواهد بدون رسیدن به مقامات معنوی تنها به الفاظ اکتفا کند هیچگاه از مرتبه ولایت و شناخت برخوردار نخواهند شد. امام

---

۱ - شفیع، سید حسن، حاج آقا رضا بهاء الدینی، آیت بصیرت ص ۸۴

۸۶.....بقية الله ﷺ فروغ حجاب بخش هستی

رضاء عليه السلام می فرماید: «عیسی بن مریم عليه السلام با یکی از اصحابش که مردی کوتاه قد که از ملارمان رکاب او بود می رفتند تا به دریا رسیدند. عیسی عليه السلام با یقین و اعتقاد قلبی «بسم الله» گفت و بر روی آب حرکت کرد. مرد کوتاه قد که عیسی عليه السلام بدین گونه دید، او نیز با یقین و اعتقاد قلبی «بسم الله» گفت و بروی آب حرکت کرد تا به آن حضرت رسید. ناگهان حالت عجب و خودپسندی به او دست دارد و با خودش گفت: این عیسی روح الله است که بر روی آب راه می رود و من نیز بر روی آب راه می روم پس او چه فضیلتی بر من دارد؟ و من از او چه کم دارم؟ با گفتن این جمله، ناگهان در آب فرو رفت. استغاثه به حضرت عیسی عليه السلام کرد تا او را گرفت و از آب نجات داد. آن گاه از آن مرد پرسید: چه به زحمت گذشت؟ جریان را توضیح داد. حضرت عیسی عليه السلام گفت: خودت را در غیر موضعت نشاندی، خدا این گونه خوارت کرد، از آنچه گفתי توبه کن، مرد توبه کرد و به مقام سابق بازگشت.»<sup>۱</sup> بنابراین حضرت ولی عصر عجل الله فرجه عصاره موجودات است در سوره مبارکه و العصر که سوگند به عصر آمده است «عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی عجل الله فرجه باشد یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

---

۱ - کافی ج ۲ ص ۳۰۶ به نقل از ادب فنای مقربان ج ۳ ص ۳۵۶

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۸۷

هدی عليه السلام، و در عصر ما حضرت مهدی عجل الله فرجه است. قسم به عصاره موجودات عصر، فشرده موجودات، آن فشرده همه عوالم است. یک نسخه است نسخه تمام عالم. همه عالم در این موجود در این انسان کامل عصاره شده است خدا به این عصاره قسم می خورد.<sup>۱</sup> او می تواند واسطه‌ی نزول برکات شود. «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء»<sup>۲</sup> از برکت وجود او «حجت و نماینده الهی» مردم روزی می خورند و به خاطر هستی او آسمان و زمین پا برجاست.

در زیارت جامعه کبیره آمده است «بکم فتح الله و بکم بختم و بکم ينزل الغيث»<sup>۳</sup> خداوند تعالی به شما آغاز کرده است و به شما پایان می برد و به سبب شما باران نازل می کند.

«و نحن الذين بنا يمسك الله السماء ان تقع على الارض الا باذنه و بنا ينزل الغيث و تشر الرحمة و تخرج برکات الارض»<sup>۴</sup> ما کسانی هستیم که، به سبب ما خداوند آسمان را از سقوط کردن و بر روی زمین حفظ کرده است مگر به اذن خودش و به سبب ما باران نازل

۱ - خمینی، روح الله صحیفه امام ج ۱۲ ص ۴۲۳

۲ - شیخ عباسی قمی، مفاتیح الجنان دعای عدیله.

۳ - مفاتیح الجنان - زیارت جامعه کبیره

۴ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۵

۸۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیا ب بخش هستی

می کند و رحمت خویش را منتشر و برکات زمین را خارج می کند در برخی از روایات نیز وارد شده است «بهم یرزق الله عباده و بهم یعمر بلادهم و بهم ینزل القطر من السماء و بهم تخرج برکات الارض.»<sup>۱</sup> به سبب آنان (امامان) خداوند به بندگانش نری می دهد و به سبب آنان سرزمین ها را آباد و به سبب آنان از آسمان باران نازل و به سبب آنان برکات زمین را خارج می کند. امام خمینی (ره) معمار بزرگ و فرزانه انقلاب اسلامی ایران با رهبری پیامبر گونه اش این انقلاب را به پیروزی رساند درباره ی عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به این انقلاب به نکته، حکیمانه ای اشاره کرده است که تأثیر و نقش آن حضرت را در امور مادی و معنوی آشکار می کند. «در قضیه بهمن ماه پنجاه و هفت که رژیم شاه حکومت نظامی را از ساعت مثلاً نه شب آورده بود به چهار بعد از ظهر. ساعت دو و ده دقیقه زنگ تلفن محل اقامت امام در مدرسه رفاه به صدا درآمد. پشت خط مرحوم آیت الله طالقانی بود. ایشان به آن کسی که گوشی را برمی دارد می گوید: به امام بگویند امروز اعلام کردند ساعت چهار حکومت نظامی است. حکم چیست؟ چه کار باید کرد؟ امام می فرمایند که به ایشان بگویند: اگر با مردم تماس دارند، بگویند که مردم بیشتر بیایند. این جزئی از

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۸۹

تاریخ انقلاب است. مرحوم طالقانی آن طوری که دخترش در کتاب می گوید، شروع می کند به گریه کردن که به این سید بگویند «به این پیرمرد بگویند» می داند چه کار می کند؟ «متن مکتوبش هست» آن رژیم که هفده شهریور را درست کرده، ابا ندارد از این قتل عامی دیگر صورت بدهد. امام میگوید به او بگویند «این حکم مال من نیست.» اتفاقاً کلانتری ها فتح شد... و قصه این انقلاب تمام و پیروز شد.<sup>۱</sup> «آری با دستوری الهی انقلابی نورانی که انفجار نور بود به وقوع پیوست. خیرات و برکات مادی و معنوی بی شماری را به همراه خود آورد. البته نقش و تأثیر و وساطه فیض بود آن حضرت بعد از ظهور آن ذخیره الهی بر کسی پوشیده نیست.

### آشکار شدن گنج های زمین به عنایت امام زمان عجل الله فرجه

فزونی نعمت ها و برکات مادی و دنیوی از جمله امری است که به عنایت آن حضرت تحقق می یابد؛ چنانکه روایات معصومان نیز بدان اشاره دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «... تظهر له کنوزا ارض و معادنها<sup>۲</sup>» خداوند گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی عجل الله فرجه آشکار خواهد کرد. امیر المومنین علیه السلام نیز می فرماید:

۱ - فصل نامه علمی - تخصصی انتظار شماره ی ۱ ص ۳۱

۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۳



۹۰.....بقية الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

هنگامی قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را خواهد رویاند به گونه‌ای که زن میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام به سازندگی و آبادانی در دوران آن حضرت اشاره کرده می‌فرماید: «فلا بقی فی الارض خراب الا عمر<sup>۲</sup>» بر بروی زمین هیچ خرابی باقی نخواهد ماند مگر اینکه به آبادانی تبدیل می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد عز وجل قیام کند و پشت کوفه مسجدی بنا خواهد کرد که هزار در دارد و خانه‌های کوفه به نهر کلمه متصل خواهد شد.»<sup>۳</sup>

به هر روی خداوند تعالی نور مطلق است و امامان معصوم علیهم السلام مظاهر آن نور مطلق هستند از این رو آنان و در عصر ما حضرت ولی عصر عز وجل این گونه هستند، یعنی؛ وساطت آنان در نور عام الهی مطلق است و همه موجودات اعم از جامد، بنات، حیوان و انسان و...» از آن بهره می‌برند. در این بهره‌مندی نه تنها اختیاری وجود ندارد، بلکه ایمان نیز شرط نیست؛ اما بهره‌مندی از وساطت آنان در نور خاص، به ایمان و اختیار بستگی دارد؛ یعنی تنها کسانی از هدایت

۱ - همان ص ۳۲۲

۲ - همان ص ۱۹۱

۳ - حر عاملی، محمد بن حسن اثبات الهداة ج ۷ ص ۱۰۹

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۹۱  
ویژه آنان بهره می‌برند که خود را در معرض تابش نور آن نیروهای  
اعظم و آفتاب‌های عالمت محروم کرده‌اند؛ و گرنه پرده افکندن با  
دمیدن با دهان برای خاموش کردن خورشید از فروغ و تابندگی آن  
نمی‌کاهد.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر بیش از یک روز از دنیا  
نماند خداوند آن روز را طول دهد تا یکی از خاندان من خروج کند و  
زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.

### عنایت ویژه‌ی امام زمان عجل الله فرجه به علامه بحر العلوم

بی‌گمان عدالت در امور مادی نیز مورد نظر این گفتار است.  
پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یکون من امتی المهدی... یتنعم  
امتی فی زمانه نعیماً لم یتعموا مثله قط، البر والفاجر، یرسل السماء  
علیهم مدراراً ولا تدخر الارض شیئاً من نباتها»<sup>۲</sup>  
از امت من مهدی قیام کند... و در زمان او مردم به نعمت‌هایی  
دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. آسمان بر همه  
نیکوکاران و بدکاران می‌بارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را  
پنهان و دریغ نمی‌کند.

۱ - جوادی آملی، ادب فنای مقربان ج ۳ ص ۱۰۹

۲ - مجلسی، محمد باقر بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۸

۹۲.....بقية الله عنه السلام فروغ حجاب بخش هستی

بنابراین «با غیبت ولی، مقام ولایت از او سلب نمی‌شود در نتیجه وظیفه امام زمان در دوران غیبت مانند وظیفه اولیاء و رهبران گذشته است. امام در حال اختفاء در امور دنیوی و دینی مردم تصرفاتی دارد.»<sup>۱</sup> لذا او واسطه به حق فیض الهی در امور مادی است و جهان همانند امور معنوی در امور مادی نیز به وجود او بستگی دارد؛ چنانکه امام خمینی فرمود: «آنان واسطه‌های میان حق و خلق‌اند... آنان واسطه در اصل وجودند و مظهر رحمت رحمانیت‌اند.»<sup>۲</sup> پس درختان به سبب آنان ثمره داده و نهرها جاری گشته و باران نازل می‌شود. افزون بر آنچه گفته شد، حکایت‌های نقل شده از سوی انسان‌های موفق و پرهیزگار از این حقیقت پرده برمی‌دارد که چه بسیار مشکلات، رنج‌ها و نیازهای مادی و معنوی بشر برای اثر تو جهات و عنایات ویژه آن حضرت برطرف شده و فیض و لطف آن قطب عالم امکان مرزها را در نور دیده است.

علامه‌ی بحرالعلوم از جمله کسانی است که مورد لطف و عنایت امام زمان عنه السلام قرار گرفته و مکرر خدمت آن حضر تشریفاب شده و کرامات باهره‌اش را همگان تجلیل و ستایش می‌کنند، زمانی

---

۱ - معارف مهدوی ص ۱۲۵

۲ - خمینی، روح الله، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ص ۱۸۰.

بخش دوم: ولایت تکوینی امام زمان عجل الله فرجه ..... ۹۳

که علامه بحرالعلوم در مکه معظمه سکونت داشت. با وجود اینکه از بستگان و ارادتمندان به دور بود ولی از هرگونه بذل و بخشش به متاجران و تأمین نیازمندی‌های طلاب و حتی طلاب غیر شیعه فروگذار نمی‌کرد. روزی خدمت‌کار آن مرد بزرگ به ایشان اطلاع می‌دهد که دیگر درهم و دیناری باقی نمانده است و باید فکری کرد. او دنباله ماجرا را چنین می‌گوید: سید بزرگوار(ره) به این گفته پاسخی نفرمود: عادت ایشان در مکه چنین بود که هر صبحگاه به طواف کعبه مشرف می‌شد و پس از آن مراجعت فرموده، در اتاق مخصوص خود اندکی استراحت می‌نمود و در همان موقع قلیانی برایشان مهیا می‌نمودم و ایشان عادتاً آن را می‌کشید و سپس سر ساعت به اتاق دیگر می‌رفت تا به تدریس پردازد. فردای آن روز چون از طواف باز گشت و من مثل همیشه قلیان را حاضر کردم، ناگهان صدای کوبیدن درآمده، سید به شدت مضطرب گردید و به من گفت: «فوراً قلیان را بردار!» و خود به سرعت همانند پیش خدمتان به سوی در شتافت و در را گشود. مردی که جلالت و عظمت قدر از چهره‌اش هویدا و به گونه اعراب داخل گردید و در اتاق مخصوص سید نشست و سید هم با کمال ادب و کوچکی و تواضع عجیبی نزدیک در اتاق نشست. آن دو ساعتی با هم خلوت

۹۴ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیاب بخش هستی

کردند و با یکدیگر گفتگو داشتند و چون آن بزرگوار برخاست که برود سید نیز با شتاب در را باز کرد و دست آن شخص را بوسه زد و سپس او را به شتری که آنجا خوابانیده بود سوار کرد. او رفت و سید بازگشت، اما رنگ چهره‌اش تغییر کرده بود؛ در همان حال حواله‌ای که در دست داشت به من داد و فرمود: «این حواله را نزد فلان صراف که در کنار کوه صفا دکان دارد، ببر و هر چه داد بگیر و بیاور» من حواله را گرفته و نزد شخص معهود رفتم او چون حواله را دید بوسید و بر چشم گذاشت و گفت: «چند نفر بار بر حاضر کن.» من چهار نفر را حاضر کردم و آن مرد صراف به اندازه‌ای که آنان قدرت داشتند ریال‌ها را در کیسه ریخت و باربرها بر دوش کشیدند و به منزل رفتیم. یکی از روزها تصمیم گرفتم نزد آن صراف بروم تا از احوال او جويا گردم و نیز از صاحب حواله اطلاعی حاصل کنم اما چون به کنار کوه صف رسیدم اثری از آن مغازه ندیدم. از اشخاصی که در همان حدود منزل داشتند جوياي آن صراف و مغازه‌اش شدم. در پاسخ گفتند «در این مکان چنین صرافى که می‌گویی هرگز دیده نشده است.»<sup>۱</sup>

---

۱ - مجلسی، محمد باقر بحار الانوار ج ۳ ص ۲۳۹-۲۳۸

# خاتمه و نتیجه

خاتمه و نتیجه ..... ۹۷

نتیجه مطالب پیش گفته این است که فیض حضرت حق تعالی دائمی و به همه چیز و همگان می‌رسد. از آنجا که جهان بر اساس قانون اسباب و مسببات اداره می‌شود از این‌رو برای آفرینش نظام خاص و قانون و تربیت معینی است. معنای نظام اسباب و مسببات این است که هر معلولی، علت خاصی و هر علتی معلول مخصوص دارد. نه یک معلول مشخص ممکن است از هر علتی بدون واسطه صدور یافته و موجود گردد و نه یک علت معینی می‌تواند هر معلولی را بی‌واسطه ایجاد کند. در حقیقت هر موجود و هر شیئی در نظام علت و معلول جای مشخص و مقام مخصوصی دارد. بر اساس روایات معصومان علیهم‌السلام امامان پاک گوهر، حجت‌های الهی‌اند که جهان به وجود آنان بستگی دارد.

دسته‌ای از روایات بیانگر این مطلب است که اگر حجت‌های الهی نباشند، زمین همچون دریای خروشان متلاطم شده و اهلش را در خود فرو می‌برد. و آنان امان اهل زمین‌اند. آنان کسانی هستند که خداوند متعال به سبب آنها باران نازل کرده و برکات زمین را خارج می‌کند و همچنین به وسیله آنان هدایت نموده و عذاب را برطرف می‌کند. خلاصه رسیدن فیض پیایی هستی به وجود ولی وابسته است و ولی همچون آینه‌ی تابان در برابر مطلع انوار بی‌کران ازلیت قرار گرفته و

۹۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حیات بخش هستی

فروغ حیات بخش هستی را بر جان کائنات می تاباند. لذا آثار وجود حضرت حجت را تنها نباید از جهت تربیت اجتماعات و حضور بر جوامع و تشکیل حکومت الهی مورد توجه قرار داد، بلکه باید از نظر قانون تکوین و روابط علیت نیز به این واقعیت نگریست و دید که حجت، در این رابطه حضور علی دارد و اگر نباشد نه زمین بر جای خواهد ماند و نه اهل زمین بر روی آن جای خواهد گرفت. بی گمان در زمان ما حضرت ولی عصر عز وجل حجت و خلیفه الهی و امام زمان ماست او واسطه ای کامل فیض هستی است و تمام برکات و خیرات از چشمه سار وجود او به همگان سرازیر می شود.

چنانکه آن حضرت خود فرموده است: ما از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نکرده و شما را از یاد نبرده ایم که اگر جز این بود امواج سختی ها بر شما فرود می آمد و دشمنان کینه توز، شما را ریشه کن می ساختند. بنابراین در زمان غیبت آن قطب عالم امکان، عنایات و توجهات و دستگیری های او شامل حال شیعیان، پیروان و دوستان آن حضرت می شود. بی تردید شیعیان و ارادتمندان حضرت تجربه کرده اند که در مشکلات، گرفتاری ها و شرایط سخت و بن بست های زندگی چگونه رنج ها برطرف شده و مورد لطف و نظر قرار گرفته اند. «ما خود بارها و بارها تجربه کرده ایم که در هنگام



پیچیدگی کارها و افتادن دشواری‌ها و دور شدن از درگاه خدا، و قطع شدن آثار فیوضات الهی، همین که به آنان توسل جست‌ایم و آل محمد صلی الله علیه و آله را واسطه قرار داده‌ایم، به اندازه‌ی ارتباط معنوی که در آن حال حاصل شده است، مشکلات حل شده و برطرف گشته و آنان که چشم دلشان به فروغ ایمان روشن است این چگونگی را در می‌یابند.<sup>۱</sup>»

«وجود مبارک حضرت بقية الله حجة بن الحسن عنه السلام هر سال در مراسم حج حضور دارد. در عرفات در منا حاضر است. بسیاری از شاگردان خاصش، مانند ابوبصیرها، سدید صیرفی‌ها و زهری‌ها و دیگران که تربیت شده‌ی او هستند در مراسم حضور دارند. حضرت عنه السلام می‌تواند به شاگردان خود از راه ملکوت بفهماند که چه کسی انسان است و چه کسی حیوان ممکن است کسی در سرزمین عرفات و منا به وجود مبارک بقية الله الاعظم دعا هم بکند و دعای فرج را هم بخواند، اما قلب او قلب انسان نباشد، ممکن است کسی مشکلی داشته باشد و مشککش ناخود آگاه به برکت حضرت حجت عنه السلام حل شد، مستقیماً توسط وجود مبارک حضرت حجت

---

۱ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۹۳ به نقل از حکیمی، محمد رضا ف خورشید مغرب ص ۳۴۴

۱۰۰.....بقية الله عنه السلام فروغ حیااب بخش هستی

باشد. احتمال دارد خود حضرت باشند و احتمال دارد اولیایی که دست پرورده‌ی آن حضرت هستند، باشند. ممکن است سالمندی زن یا مرد و یا ناواردی راه چادر را گم کند یا در بین راه بدون زاد و راحله بماند و ولی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت امام عصر عنه السلام است او را راهنمایی کند.<sup>۱</sup>»

چنانکه پوشیده نیست وجود مبارک حضرت بقية الله حجة بن الحسن عنه السلام هر سال در مراسم حج حضور دارد در عرفات و منا حاضر است. حج بسیار کسانی که در دوران‌های گوناگون برای انجام مناسک حج به سوی دیار عاشقان، سرزمین نزول وحی رهسپار شده‌اند و در بین راه از قافله عقب مانده و بر اثر خطرهای مختلف و هجوم رهنان و سرما و گرما و تشنگی و گرسنگی و گم کردن راه از ادامه حیات ناامید شده و در آستانه مرگ قرار گرفته‌اند؛ ناگهان خورشید نورافزای امامت به هدایت و نجات آنان شتافته و آنها را به منزل مقصود رهنمون شده است. چه فراوانند کسانی که به سوی سرزمین وحی مکه و مدینه و عرفات و منی به عشق آن حضرت سفرهای طاقت فرسایی را متحمل شده‌اند. شیعیان آن حضرت، دلباختگان و عاشقان او هستند، آنان عمری را با یاد آن حضرت سپری

---

۱- جوادی، آملی، عبدالله عرفان حج ص ۳۷

خاتمه و نتیجه ..... ۱۰۱

کرده‌اند و می‌کنند و با زمزمه‌ی دعای عهد و در صبحگاهان روز جمعه به خیل عظیم ندبه خوانان پیوسته‌اند.

شاید مناسب باشد به این شعر زیبای مولانا تمسک بسته و بگوییم.

الصلاحی عاشقان روی دوست	الصلاحی رهروان کوی دوست
الصلاحی بلبلان باغ عشق	الصلاحی تشنگان داغ عشق
الصلاحی باده نوشان الست	از شرابت گفتگو با یار مست
عالمی مشتاق دیدار شماست	چرخ گردون از پی کار شماست
هر کجا جا نیست جای عشق باد	جمله‌ی عالم فدای عشق باد

چه زیبا دریافته‌اند کسانی که در شرایط سخت زندگی به کدام سو نظر کنند، بلکه برخی از آنها به مقاماتی نائل شده‌اند که وقتی از مسیر موازی مسجد جمکران عبور می‌کرده‌اند از عنایات ویژه‌ی آن حضرت بهره‌مند شده‌اند. مسجدی که به دستور حضرت بنا شده است چنین معجزه‌ای دارد. آیه‌ی الله بها الدینی (ره) عالم فرزانه‌ای که خود از برجستگان عشق و ارادت به آن حضرت است، چنین می‌گوید: «مکرر مشاهده شده که در مسیر که از جمکران می‌رسیدم، حالم دگرگون می‌شد و اگر کسالتی داشتم همان لحظه برطرف می‌گشت.»<sup>۱</sup>

۱ - شفیع، سید حسن، حاج آقا رضا بهالدینی آیت بصیرت ص ۱۰۸

۱۰۲.....بقية الله عنه السلام فروغ حیات بخش هستی

رهبر معظم انقلاب می فرماید: «من در اداره‌ی امور کشور بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود. به دوستان و اعوان و انصار می‌گویم که آماده شوید به جمکران بریم. راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم بعد از راز و نیاز با آقا من احساس می‌کنم همان جا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند و من در آنجا به تصمیم می‌رسم و مشکل بدین صورت حل می‌شود و همان تصمیم را عملی می‌کنم.»<sup>۱</sup>

آن حضرت خاتم اوصیا است و بلاها به سبب او دفع می‌شود، چنانکه فرموده است «انا خاتم الاوصیاء، و بی یدفع الله و عز وجل البلاء عن اهلی و شیعتی»

من خاتم اوصیایم. خداوند به سبب من بلا و گرفتاری را از اهل و شیعیانم دفع می‌کند. ابو نصر خادم که نقل کننده این حدیث است چنین می‌گوید: «بعد از آن که به خدمت آن حضرت رسیدم، فرمود: «آیا مرا می‌شناسی؟» عرض کردم: «بلی» فرمود: «من کیستم؟» عرض کردم: «تو آقای من و فرزند آقای منی.» حضرت فرمود: «من از تو این سوال را نپرسیدم!» عرض کردم: «خدا مرا فدای تو گرداند!

خاتمه و نتیجه ..... ۱۰۳

حال خود را برای من شرح کن.» حضرت فرمود: «من، خاتم اوصیا هستم. خداوند، به سبب من، بلارا از اهل و شیعیانم دفع می کند.»<sup>۱</sup>

بنابراین شناخت و معرفت امام یک وظیفه است؛ چرا که اساساً راه معرفت خدا معرفت امام است. امام انسان را به مطلوب واقعی می رساند پس او طریق حقیقتی و واقعی به سوی خدا است. علامه طباطبائی که در خداشناسی و نبوت شناسی و امام شناسی به اوج معرفت و مقام انسان کامل رسیده است، می گوید: «امام با امر ملکوتی هدایت می کند. از این رو امامت به حسب باطن نوعی ولایت بر مردم در اعمالشان است. و هدایت امامت همان ایصال و رساندن به مطلوب به امر خداوند تعالی نه صرف نشان دادن راه و ارائه طریق<sup>۲</sup>» به همین دلیل است که در روایات معصومان عدم شناخت امام هر زمان مورد مذمت قرار گرفته است در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده اند، آمده است: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات متیة جاهلیة<sup>۳</sup>» هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

۱ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰

۲ - طباطبائی، محمد حسین، المیزان ج ۱ ص ۲۷۲

۳ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۸ ص ۳۶۸ و ج ۳۲ ص ۳۳۳

۱۰۴ ..... بقية الله صلى الله عليه وآله فروغ حجاب بخش هستی

این شناخت باید به حدی برسد که انسان بداند اعمال بندگان در صورتی مورد پذیرش خداوند تعالی قرار می‌گیرد که معرفت امام شرط پذیرش و قبولی اعمال اوست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ولاً ینال ما عند الله إلا بجهة اسبابه و لا یقبل الله اعمال العباد إلا بمعرفته<sup>۱</sup>» و آنچه نزد خداست جز از طریق وسایل او بدست نمی‌آید و خدا اعمال بندگان را جز با شناخت او نمی‌پذیرد. بنابراین وظیفه دینی اقتضا می‌کند که امام عصر صلى الله عليه وآله را به خوبی بشناسیم و منتظر قدوم پرفیض مبارک او باشیم که انتظار فرج آن حضرت خود عبادتی است بس بزرگ. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «افضل اعمال امتی سانتظار الفرج من الله عزوجل<sup>۲</sup>» برترین اعمال امت من انتظار فرج حضرت حجت امام زمان صلى الله عليه وآله از نزد خداوند «عزوجل» است. اینک فرازهایی از دعای ندبه را به یاد پرمهر آن حضرت زمزمه می‌کنیم و به پیشگاه با عظمت او عرضه می‌داریم: «لَيْتَ شِعْرِي آيِنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَى أَرْضٍ تُقَلِّكِ أَوْثَرَى، أَبْرَضَوَى أَوْ غَبْرَهَا أَمْ ذَى طَوَى عَزِيزُ عَلَى أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَاتَرَى، وَ لَأَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَ لَا نَجْوَى عَزِيزُ عَلَى أَنْ تُحِيطُ بِكَ دُونَى الْبَلَوَى، وَ لَا يَنَالُكَ مَنَى ضَجِيجِ

۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۱

۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۸

ولاشکوی. <sup>۱</sup> «ای کاش می دانستم کجا و چه وقت دلها به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت، ای کاش می دانستم در کدام سرزمین اقامت داری؟ در کوه رضوانی یا غیر آن یا به دیار ذی طوی؟ بسیار سخت است بر من که خلق را بینم و تو را نبینم و از تو نه صدایی و نجوایی نشنوم. بر من سخت است از اینکه تو تنها گرفتار باشی و بلا بر تو احاطه کند و هیچ ناله و زجه و شکایتی از من به تو نرسد.

مقام معظم رهبری می فرماید: امروز وجود مقدس حضرت حجت عجل الله فرجه در میان انسانهای روی زمین منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه ی خیرات است.<sup>۲</sup>

حال که چنین است و به یقین چنین است «چه می شد اگر روابط ما با آقا امام زمان عجل الله فرجه محفوظ می ماند؟ اگر بدانیم در محضر «عین الله الناظرة» هستیم، آیا روی آن را داریم که برای زیارت حضرت غائب عجل الله فرجه اجازه بخواهیم، با این که با خواسته های واضح او مخالفت می کنیم، نماز و روزه را ترک، و غیبت و ایذا می کنیم. آیا می خواهیم به ما بفرماید: «ابحثکم المحرمات و اسقطت عنکم الواجبات»؟ حرام ها را برای شما حلال نمودم و واجبات را از شما

---

۱ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه

۲ - فصلنامه علمی - تخصصی انتظار ج ۷

۱۰۶.....بقية الله عز وجل فروغ حیات بخش هستی

برداشتیم. مقصود این که چه می شد به واسطه بندگی خدا، و روابط ما با آن آقا محفوظ می ماند؟ دیگران نگذاشتند، هرچند ما هم مقصریم و نخواستیم. اتصال میان ما و آن حضرت محفوظ باشد، و گرنه هر کس یک ارتباط و اطمینانی پیدا می کرد و روزی می آمد و توبه می کرد و تابع او عاقبت به خیر می شد.<sup>۱</sup>»

«کجا رفتند کسانی که با صاحب الزمان عز وجل ارتباط داشتند؟ ما خود را بیچاره کرده ایم که قطع ارتباط نموده ایم و گویا هیچ چیز نداریم، آیا آنها از ما فقیرتر بودند؟ اگر بفرماید به آن حضرت دسترسی نداریم؟ جواب شما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرّمات ملتزم نیستید و او به همین دلیل از ما راضی است؛ زیرا «اورع الناس من تورع عن المحرمات.» پرهیزکارترین مردم کسی است که از کارهای حرام پرهیزد. ترک واجبات و ارتکاب محرّمات حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.<sup>۲</sup>»

سخن پایانی اینکه به فرموده‌ی معمار کبیر انقلاب اسلامی امام راحل(ره) «ما در انتظار رویت خورشیدیم»

---

۱ - رخشاد، محمد حسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت ص ۳۰۵

۲ - همان ص ۳۶۲



خاتمه و نتیجه ..... ۱۰۷

«اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره و عجل لنا ظهوره  
إنهم يرونه بعيداً و نريه قريباً برحمتك يا ارحم الراحمين<sup>۱</sup>»

خداوندا این گرفتاری و هم و غم را با حضور ولایت آقا امام  
زمان عجل الله فرجه برطرف کن و ظهور آن یادگار فاطمه را برای ما  
تعجیل نما، هرچند مخالفان آن را بعید می‌دانند ولی ما آن را نزدیک  
می‌دانیم با رحمت و مهربانی تو ای مهربان‌ترین، مهربانان.

«اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة، تعزبها الاسلام واهله وتذل  
بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الي طاعتك والقادة الي  
سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة<sup>۲</sup>»

دل می‌رود زدستم صاحب‌دلان خدا را	دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز	باشد که باز بینیم دیدار آشنا را
ای صاحب کرامت شکرانه سلامت	روزی تفقدی کن درویش بی نوارا <sup>۳</sup>

۱ - مفاتیح الجنان دای عهد

۲ - مفاتیح الجنان، دعای افتتاح

۳ - دیوان حافظ ص ۲۱

۱۰۸ ..... بقية الله عز وجل فروغ حياى بخش هستى

### منابع وماخذ

- ۱ - قرآن.
- ۲ - نهج البلاغه.
- ۳ - امينى، ابراهيم، دادگستر جهان، انتشارات شفق، چاپ سيزدهم
- ۴ - ابن منظور، لسان العرب، دارصادر بيروت چاپ اول ۱۴۱۰ ق
- ۵ - آب، آينه، آفتاب، موسسه امام خمينى ۱۳۸۰ ش
- ۶ - جوادى آملی، عبدالله، رحيق مختوم، چاپ دوم ۱۳۸۲ ش
- ۷ - \_\_\_\_\_، ادب فناى مقربان، اسراء، چاپ دوم ۱۳۸۱ ش
- ۸ - \_\_\_\_\_، عرفان حج، مشعر، چاپ سوم ۱۳۸۰ ش
- ۹ - حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، دارالکتب اسلامية، چاپ سوم ۱۳۶۶ ش
- ۱۰ - حسینی تهرانی، سيد محمد حسين، امام شناسی، حکمت، چاپ دوم ۱۴۰۵ ق
- ۱۱ - حکیمی، محمدرضا، خورشيد مغرب، دليل ما، چاپ بيست و پنجم ۱۳۸۲ ش
- ۱۲ - حافظ شیرازی، ديوان حافظ، کيش مهر، چاپ اول ۱۳۸۱ ش
- ۱۳ - علامه حلی، فاضل مقداد، باب حادی عشر، مصطفوی، قم، بی تا.
- ۱۴ - خمینی، روح الله، صحيفه امام، تنظيم و نشر آثار امام (ره) چاپ اول ۱۳۷۸ ش، سخنرانی خرداد ۱۳۵۹

- منابع و مأخذ ..... ۱۰۹
- ۱۵ - \_\_\_\_\_ مصباح الهداية الى الخلافة و الولاية، پیام آزادی، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۶ - رحیمیان، سعید، فیض و فاعلیت وجودی از فلوپین تا صدرالمتالهین، بوستان کتاب، چاپ اول ۱۳۸۱ ش
- ۱۷ - رخشاد، محمدحسین، درمحضر حضرت آیت الله العظمی البهجت، موسسه فرهنگی سما چاپ یازدهم ۱۳۸۷ ش
- ۱۸ - سبحانی، جعفر، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه، انتشارات توحید ۱۳۶۱ ش
- ۱۹ - \_\_\_\_\_ الهیات و معارف اسلامی، موسسه امام صادق علیه السلام چاپ پنجم ۱۳۸۱ ش
- ۲۰ - \_\_\_\_\_ محاضرات فی الالهیات، تلخیص ربانی گلپایگانی، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق
- ۲۱ - شجاعی، محمد، اسماء حسنی سرورش، چاپ دوم ۱۳۸۴ ش
- ۲۲ - \_\_\_\_\_ مقالات: سرورش چاپ اول ۱۳۸۲ ش
- ۲۳ - شفیعی، سید حسن، حاج آقا رضا بهاءالدینی، آیت بصیرت، قدس چاپ دوم ۱۳۷۵ ش
- ۲۴ - صافی گلپایگانی، لطف الله امامت و مهدویت، حضرت معصومه علیها السلام ۱۳۷۷ ش
- ۲۵ - \_\_\_\_\_ وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام ۱۳۷۵ ش

۱۱۰.....بقية الله عنه السلام فروغ حياى بخش هستى

۲۶ - صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم (ملاصدرا) حكمت

متعالیه، داراحياء تراث عربى، بيروت چاپ سوم ۱۹۸۱م

۲۷ - طباطبايى، محمد حسين، الميزان، اسماعيليان چاپ دوم

۱۳۹۳ق

۲۸ - \_\_\_\_\_ رسائل توحيديه موسسه نشر اسلامى

چاپ دوم ۱۴۱۵ق

۲۹ - \_\_\_\_\_ ظهور شيعه، مرصاد، تهران بى تا

۳۰ - طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، موسسه الاعلمى

للمطبوعات بيروت ۱۴۱۵ق

۳۱ - طبرسى، احمد بن على، احتجاج، اسوه، چاپ سوم ۱۴۱۶ق

۳۲ - طاهرى، حبيب الله، سيمای آفتاب، مشهور، اول ۱۳۷۸ش

۳۳ - طوسى، خواجه نصيرالدين، كشف المراد، فى شرح تجريد

الاعتقاد تصحيح حسن زاده آملی، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ق

۳۴ - طوسى، ابى جعفر محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، نشر

صدوق، بى تا

۳۵ - \_\_\_\_\_ قواعد العقائد، تحقيق ربانى گلپايگانى

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ۱۴۱۶ق

۳۶ - شيخ طوسى، محمد بن حسن، الغيبة، معارف اسلامى قم

۱۴۱۱ق

- منابع و مأخذ ..... ۱۱۱
- ۳۷ - فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، نشر اسلامی  
چاپ اول ۱۴۱۴ ق
- ۳۸ - فصل نامه علمی، تخصصی انتظار نور، شماره هفتم، سال دوم  
بهار ۱۳۸۲ ش
- ۳۹ - \_\_\_\_\_ شماره یازدهم، دوازدهم  
سال چهارم تابستان ۱۳۸۳ ش
- ۴۰ - \_\_\_\_\_ شماره چهارم، سال دوم  
تابستان ۱۳۸۸ ش
- ۴۱ - \_\_\_\_\_ شماره پنج سال دوم  
پاییز ۱۳۸۱ ش
- ۴۲ - قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولایت تا ظهور،  
ترجمه و تحقیق علی کرمی، سید محمد حسینی، الهادی، چاپ دوم  
۱۳۷۸ ش
- ۴۳ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دفتر نشر فرهنگ  
اهل بیت علیهم السلام، ترجمه و شرح رسولی محلاتی، بی جا بی تا
- ۴۴ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ ق
- ۴۵ - مطهری، مرتضی، مقدمه‌ی برجهان بینی اسلامی، صدرا بی تا
- ۴۶ - \_\_\_\_\_ عدل الهی، صدرا، بی تا
- ۴۷ - \_\_\_\_\_ مجموعه آثار، صدرا، چاپ یازدهم ۱۳۸۳ ش
- ۴۸ - ملکی تبریزی، المراقبات، دارمشفق مسلم ۱۳۶۳ ش

۱۱۲.....بقية الله عجل الله فرجه فروغ حیات بخش هستی

۴۹ - مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی چاپ

چهارم ۱۳۷۰ش

۵۰ - معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه

علمیه ناشر دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه تعالی

چاپ اول ۱۳۸۵ش

۵۱ - مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی

۵۲ - معارف اسلامی (۲) دفتر نشر معارف چاپ سی و سوم

۱۳۸۲ش

نرم افزار رایانه‌ای:

المعجم العقائدی (شامل ۷۰۰ جلد کتاب و بیش از ۲۰۰۰ موضوع

استخراج شده از ۳۰۰ کتاب و از سوی مرکز المصطفی در سال

۱۴۲۵ ق در قم انتشار یافته است)